

# هموطنان! از نامزدهای حزب توده ایران برای مجلس خبرگان پشتیبانی کنید



## نامزدهای حزب توده ایران برای مجلس خبرگان

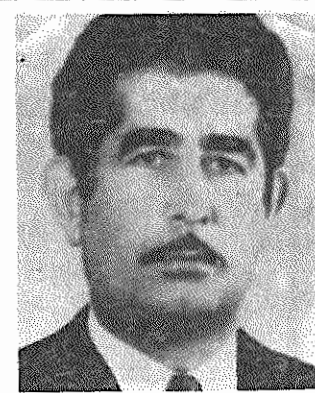
نامزدهای حزب ما سالها در حبس  
و تبعید و مهاجرت بوده، و عدهای  
از آنان، ربع قرن در زندانهای رژیم  
پیشین عمر گذرانده‌اند. صفحات ۹ تا ۹

این شماره: ۱۲ صفحه

دوره هفتم، سال اول، شماره ۴۵  
شنبه ۶ مردادماه ۱۳۵۸  
تک شماره ۱۵ ریال



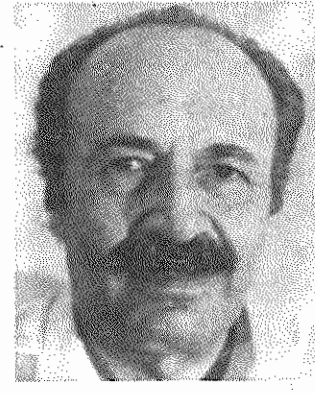
رفیق حسین جودت  
عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی  
حزب توده ایران



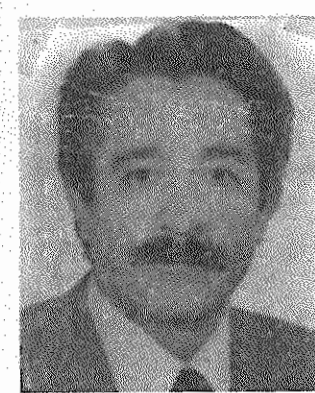
رفیق انوشیروان ابراهیمی  
عضو هیئت سیاسی و دبیر کمیته  
مرکزی حزب توده ایران



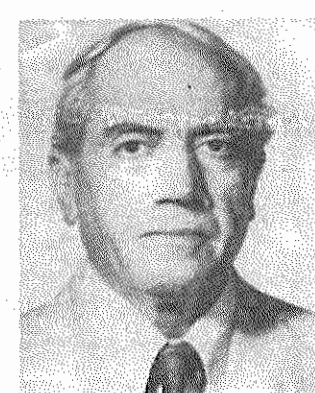
رفیق احسان طبری  
عضو هیئت سیاسی کمیته  
مرکزی حزب توده ایران



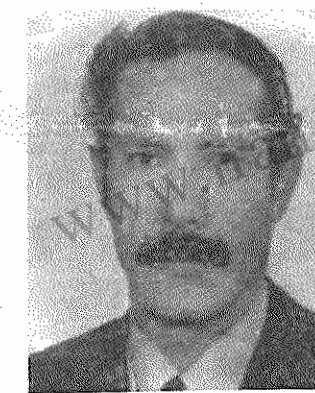
رفیق نورالدین کیانوری  
دبیر اول کمیته مرکزی  
حزب توده ایران



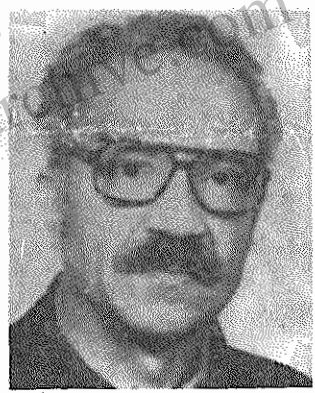
رفیق رضا شلتوکی  
عضو هیئت سیاسی کمیته  
مرکزی حزب توده ایران



رفیق عباس حجری  
عضو هیئت سیاسی کمیته  
مرکزی حزب توده ایران



رفیق محمد علی عمونی  
عضو هیئت سیاسی کمیته  
مرکزی حزب توده ایران



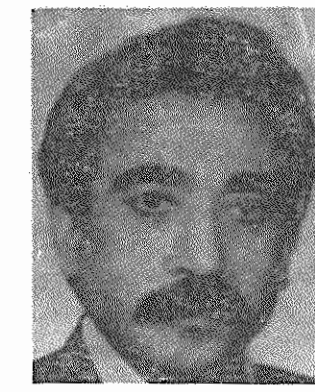
رفیق علی خاوری  
عضو هیئت سیاسی کمیته  
مرکزی حزب توده ایران



رفیق مریم فیروز  
عضو کمیته مرکزی  
حزب توده ایران



رفیق صابر محمد زاده  
عضو کمیته مرکزی  
حزب توده ایران



رفیق آصف رزم‌دیده  
عضو کمیته مرکزی  
حزب توده ایران



رفیق ابوتراب باقرزاده  
عضو هیئت سیاسی کمیته  
مرکزی حزب توده ایران



رفیق حسین آذر  
از مسئولین سازمان ایالتی  
حزب توده ایران در اصفهان



رفیق غلامرضا روحانی  
از مسئولین سازمان ایالتی  
حزب توده ایران در اصفهان



رفیق علی لامعی  
مسئول سازمان حزب توده  
ایران در شهر



رفیق علی اکبر مایل‌زاده  
از مسئولین سازمان ایالتی  
حزب توده ایران در خوزستان

## امپریالیسم دیگر ابتکار تاریخی را در دست ندارد

سوسیالیسم بیش از پیش به عامل قاطع  
تکامل تاریخی مبدل میشود

صفحه ۳

## از: احسان طبری سخنی درباره شناخت جامعه کشور ما

صفحه ۱۲

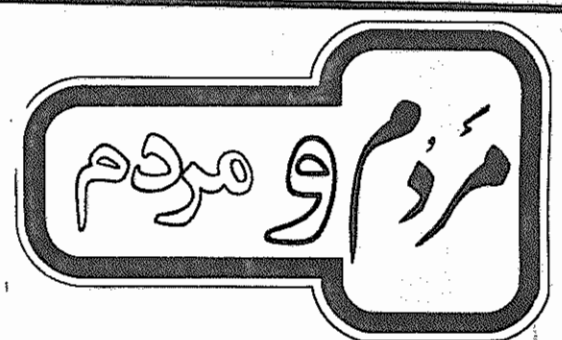
## روند بازسازی ارتش موجب نگرانی جدی است

صفحه ۴

## وحدت عمل تنها پاسخ قاطع به ضد انقلاب

صفحه ۱۰

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق



● آقای ع پایرام. یادداشت شما رسید، هر وقت امکان داشته باشیم مطالب مورد نظر شما را چاپ خواهیم کرد. ● آقای ق. ش. ش. متقابلاً موقیعت شمارا آرزو داریم. بهترین است که خودتان «مردم» را بنویسید. برای مسئله عضویت، بدبیرخانه حزب، واقع در خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸، مراجعه کنید.

● آقای رحیم الف. پیشنهاد شما کاملاً درست است. با رفقای مربوطه در این باره مذاکره شد. متشکریم.

● دوستی که «دیک هوادار» امضاء کرده است، مینویسد، «در آبادان عده ای از ساواکهای سابق مشغول شناسایی رفقای ما و عکسبرداری بودند و وقتی یکی از مبارزان، که توسط آنها شکنجه شده بود، آنها را تحویل کلانتری داد، متأسفانه کلانتری شماره ۶، به بهانه آنکه سه نفر شاهد وجود نداشته، ساواکی ها را آزاد کرد.» دوست عزیز! متأسفانه مطلب مربوط به حمله بکتا بفروشی ها، در شماره ۲۰ بعثت نبودن جا چاپ نشده و در شماره بعدی چاپ شده است. با تشکر.

● دوستان فومنی یادآوری کرده اند که در اعلام کمک ده هزار ریالی گروه وفاداران به حزب توده ایران، واژه فومن از قلم افتاده است. از جانب دوستان چاپخانه پوزش میطلبیم و از وفاداران فومنی سپاسگزار می کنیم.

● دوست عزیز ۱. ه. از تهران، تمام مطالبی که شما در نامه خود پیرامون طرح قانون اساسی نوشته اید، در مقالات متعددی که در «مردم» بدنبال چاپ نامه سرگشاده اولیه حزب نگاشته شده و نظر ما را پیرامون نکات مختلف با تفصیل بیشتری بیان میدارد، آمده است. امیدواریم آنها را مطالعه کرده باشید. در خود نامه سرگشاده ذکر شده که مطالب آن نامه، تنها مسائل عمده مورد نظر را در بر میگیرد، نه همه نظریات حزب را. دوست گرامی! این جمله از نامه شما را ذکر می کنیم که نوشته اید، «صحت ضد امپریالیستی ضد صهیونیستی انقلاب ایران در طرح مطرح نشده و بنظر من جای ساده ای نظیر ماده ۹۲ قانون اساسی الجزایر «مبارزه با استعمار، استعمار نو، امپریالیسم، نژادپرستی محور اصلی انقلاب الجزایر میباشد» در پیش نویس قانون اساسی ما بسیار خالی است».

● آقای ع. ط. که از فرانسه نامه نوشته اید. مطالب شما را با دوستان مسئول در میان گذاشتیم. بنویسید که آیا در مدت تعطیلات تابستان در همان شهر خواهید بود؟ «مردم» را چگونه بدست می آورید، می خرید یا از دوستی می گیرید یا از ایران برایتان می فرستند؟

● دوست گرامی ف. ح. از آلمان غربی. نامه شما که نوشته اید توسط خواهرتان بندوق انداخته میشود رسید. نظر شما درست است که حملات ضد توده ای از جانب نیروهای مختلف همچنان پس از انقلاب نیز نظیر تبلیغات رسمی زمان حکومت شاه ادامه دادند. بعضی از نیروها و گروهک هایی که شما از آنها نام برده اید، گوئی وظیفه اصلی خود را نبرد علیه حزب ما، که در سخت ترین شرایط تسلط ساواکی و فاداری خود را بخلاق و به همین ثابت کرده است، بحساب می آورند. آنها البته کاری نمیکنند جز آب با سیاب دشمن ریختن، امپریالیسم و دارودسته غارتگر شاه مخلوع و سرمایه داران وابسته، که حزب ما را همیشه دشمن سرسخت عمده خود شمرده اند، البته از این جریان بسیار خوشحالند و خود یکی از سازمان دهندگان این کارزار ضد توده ای هستند. از اینکه «مردم» را تکثیر و توزیع میکنید، خرسندیم. لطفاً از شماره یک نمونه را برای ما بفرستید. از همان شهر خودتان میتوانی آنرا پست کنید یا توسط خواهرتان بفرستید. کمک گرفتن از رفقای محلی برای نشان دادن واقیعت انقلاب ایران روش کاملاً درست و موثری است. موقیعت شمارا خواستاریم.

● دوست گرامی ناهید ۱۷ ساله، نامه پر محبتی نوشته و از قلب کوچک خود، که عشق بزرگ حزب در آن موج میزند، سخن میگوید و خطاب به حزب مینویسد، «من تورا دقیقاً آنچیزی یافتم که گمان نمیکردم، آنچیزی که با تمام جنجالها و سرودها و تبلیغاتی که بر علیه ات برآه انداختند، متفاوت بود، یعنی تودقیقاً همان بودی که همواره جستجو میکردم». ناهیدستوالی هم درباره افغانستان دارد. در این مورد پس از نامه شما بازم مطالبی در «مردم» چاپ شده، که حتماً خواننده اید و بازم چاپ خواهد شد. آیا شما احتمال نمیدیدید همانطوریکه علیه حزب توده ایران «آنهمه جنجال و سرودها و تبلیغات» خصمانه میگردند، تا سپید را سیاه جلوه دهند و خوب بختانه شما توانستید حقیقت را دریابید، حالاً در مورد انقلاب خلقی افغانستان نیز از جانب نیروهای امپریالیستی و ارتجاع داخلی و فئودالها هیاهو و جنجال مشابهی پیاپی باشد، افراد باحسن نیت را بنام اسلام بفریند و مقاومت های ضد انقلابی و طرفداری از سلطه استعمار و ارتجاع و فئودالها را بنام قیام خلق معرفی کنند، در آینده شما دقیقاً این حقیقت را نیز درخواهید یافت. ما بخاطر حقیقت و حق مسلم خلق زحمتکش

# با «میهن عزیز» در چمدان، بسوی «ارض موعود» (کوچ مغزها و دلارها در برابر انقلاب خلق)

نفوس کشور را قتل عام و خاک کشور را بسرمین سوخته بدل کند، در قالیهای گرانها می پیچند و راهی میشوند و چاروشان اینس کاروان کوچنده می خوانند؛ اگر بارگران بودیم، رفتیم! اگر نامه ریان بودیم، رفتیم!

عشق به میهن، در ابتدائی ترین تعریفش، همگامی با مردم آن سرزمین در نیک و بد، فرازو نشیب است. ایران را در لحظات سرنوشتی رها کردن، به ایران خنجر زدن است. موقع غارتگری، «میهن پرست» شدن و مردم آن میهن را غارت کردن و موقع چرخش و تحول دشوار سرنوشت، جهان پرست شدن و مردم و میهن را ترک گفتن، شیوه انسانی و ایرانی نیست، صاف و ساده کلاهدازی و دغلی است.

دوباره میگوئیم: ما طر فدار اصل حرکت و سفر آزاد هستیم. ولی هر آزادی، باید آزادی مسئول باشد. آیا جادار دولت گذرنامه و ارز را، بی مراعات مقتضیات و مصالح عمومی اجتماع، در اختیار هر فرصت طلبی بگذارند؟

ما از شورای انقلاب و از دولت چشم داریم که این مسئله را بررسی کند، جلوی فرار مغزها و کوچ بی بندوبار از میهن و گریز سودجویان سدی برافزاید، برای سفرهای موجه تحصیلی، اداری، معالجه ای، حتی استراحتی موقت و دیگر انواع سفرهای قابل توجیه، ملاک هایی بگذارد. ولی به گریزندگان بگوید، ایست! یول خود را در همان جایی خرج کنید که غارت کرده شما بود!

میگویند تنها در ناحیه کالیفرنیا قریب صد هزار ایرانی است! تازه این همه ایالات متحده نیست. کانادا و اروپای غربی و ژاپن را هم در نظر بگیرید، آنوقت دامنه وسیع کوچ و گریز روشن تر میشود. اما از شورای انقلاب و از دولت انتظار دیگری هم داریم و آن اینکه، به صدها تن ایرانی که در دوران جور و ستم پهلوی مجبور به جلائی وطن شده اند و اینک با صد شوق دیده بر راهند، تا بایران بازگردند و در سرنوشت تحولی این کشور شریک شوند، امکان داده شود، هر چه زودتر به ایران بیایند. زیرا اصلاً مفهوم نیست که دولت از سوئی بهزدان و دفلان گذرنامه فرار میدهد و از طرف دیگر به مشتی یاران سمیع خلق و انقلاب حتی اجازه عبور ساده برای ورود به خاک آبا و اجدادی خود نمیدهد! منطق آن در نزد شاه مخلوع روشن بود. هر کس در زیوفشار رژیم بیک کشور سوسیالیستی پناهنده میشد، «بیکانه پرست» بود، ولی کسی که فقط به قصد فرار از مسئولیت و حفظ مال غنیمتی به آمریکا میرود، «میهن پرست» است. آیا در نزد برخی از رجال دست اندکار کنونی ما نیز این منطق کماکان باقی است؟

چنانکه می گویند، روزانه دوهزار ایرانی راهی آمریکا و کانادا و کشورهای اروپای غربی می شوند و این دوبرابر فصل کنونی در سال های پیش است. تردیدی نیست که بسیارند در میان آنها، که سفرشان بنحوی از انحاء موجه و ضروری است، ولی بیش از آنند کسانی که در مقابل بلوفان انقلاب خلق می گریزند.

شاه سابق، سال گذشته، در یکی از نطق های جا نورانه خود در مشهد، مطلبی گفت بدین مضمون که، اگر او هم بخواهد از اختیارات سلطنت سرسوزنی کم شود، «مگر ارتش می گذارد؟ مگر میهن پرستان می گذارند؟»

«میهن پرستان» آریامهری، همین آقایان و خانمهای شیک و مجلل هستند که «میهن عزیز» خود (یعنی دلار را) در چمدانها جای داده، راهی «ارض موعود» می شوند. می گویند، «وطن آنجاست که دل خوش باشد». وقتی کالیفرنیا هست و میتوان با سرمایه های میلیونی غارتی در آنجا به کسب و کار پر سود پرداخت و در سایه «سیا» وظل توجهات ارباب اصلی «ظل الله»، خوش زیست، دیگر چه لزوم کرده است در کشوری انقلابی بسپرد؟ در کنگره دادگستری کسانی گفتند: نکسوئید مستضعفین! آقا ما مستضعفین نیستیم، این بسا توهین است! در واقع برای این «میهن پرستان» غیر مستضعف، در کشوری کسه سخن از حقوق مستضعفین بمیان می آید، دوام آوردن مشکل این ذوات محترم در دوران چرخ خود؛

یک گره از انحصار در دست «وطن پرستی» پائین نمی آید. تمام صحبتشان از «معنویات» بود. به «توده های بی وطن» هر تانه هزار لنت می فرستادند. ولی حالا می بینند در کشوری که نشود با مشتی بند و بست دلالت ناپاک، میلیونها به جیب زد، در کشوری که در آن بسا ننگرهای مردم رستاری شود، در کشور بدون «مشروب» و بدون «تفریحات شهباوروزها»، دیگر چه وطنی؟! بر خیزها انتظار داشتند که الیکارشی پهلوی

گورش را گم کند، راه زنان و کرگان دست پرورده این خانواده سراپا تباه، مانند هزار بیزدانی ها و رحیم علی خرم ها و القانیان ها و بسیاری امثال آنها، که اینک دارائی پلیدشان ملی شده، نیز گورشان را گم کنند، اما آنها بتوانند جسای خالی آن رقیبان گردن سبیر را بگیرند، ولی حالا می بینند نغمه ناساز است. صحبت از عدل و «قسط» اجتماعی بمیان آمده و کارگر و دهقان و دیگر تنگدستان دمدم متشکل تر میشوند. دورنمای جاییدنه های کلان از میان میرود.

با این تفصیلات، واقعاً دیگر چه وطنی؟! کارشناسانی که برای پرورش و تجربه عملی آنها میلیونها خرج شده، خود را با سرعت بازنشسته می کنند، پولهای کلانی بابت حقوق و مزایای بازنشستگی می گیرند، «میهن عزیز» را، که بخاطر آن حاضر بودند «شاهنشاه» نمی از

## از کمکهای رفقا و دوستان سپاسگزاریم

دانش آموز ۱۶ ساله از زنجان	م - همراه	۵۰۰ ریال	مینو از قائم شهر	۱۰۰۰ ریال
آزیتا - الف	خانم مریم ق	۵۰۰ ریال	طاهر از قائم شهر	۱۰۰۰ ریال
روزبه - الف	اعضاء و هواداران حزب توده	۱۰۰۰ ریال	دفتری	۲۱۰۰۰ ریال
مازیار - الف	ایران در لیل (فرانسه)	۱۰۰۰ ریال	شهاب از کازرون	۳۰۰۰۰ ریال
		۱۵۵۱۰ ریال		

## برق «زیارت» بر از جان را زودتر بدهید

روستای «زیارت» یکی از دهستان های پر جمعیت بر از جان و در ۲۰ کیلو - متری آن واقع است. دهقانان این روستا چنین مینویسند،

«چند ماه پیش مسئولان آمدند بر روستای ما و پایههای برقی را نصب کردند. با نصب پایههای برقی نور امیدوری در دل ما ساکنین روستا بوجود آمد که بر قمان بزودی بکار میافتد و دیگر ناگزیر نیستیم بشهر کوچ کنیم و ترک دیار نمائیم. اما بعد از چند ماه که از نصب پایه های برق میگذرد، هنوز از نصب خود برق خبری نیست. انتظار داریم مقامات مسئول ترتیبی دهند که برق

«زیارت»، روستای پر جمعیت بر از جان زودتر بکار افتد تا ما بخاطر نبودن آب و برق روستای خود را ترک نمائیم هر چند که طرح لوله کشی روستای ما شروع گردیده و دارند بر روستا لوله کشی میکنند، منتظریم لوله کشی سریعتر به ده برسد و کار برق نیز معلوم شود.»

## از انتشارات

### حزب توده ایران منتشر شد!

۱ - ترجمه جدید اثر نین در باره فریدریش انگلس از محمد پور هرمان  
۲ - ما تریالیسم تاریخی (کتاب دوم) تألیف امیر نیک آئین.

### بزودی منتشر میشود!

ما تریالیسم دیالکتیک (کتاب اول) تألیف امیر نیک آئین.

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فعلاً هر هفته سه شماره، شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می شود.

نشانی: خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸، تلفن: ۹۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸

چکامه نادری، با عنوان «توای حزب ارزنده کارگر» بسیک قدیم و شعر خانم یولاد، با سبکی نسو، شعر نقی، در سوگ تیزابی، که نشانی است از عمق علائق شاعر شهیدان راه خلق، شعر رضام، از آبا دان، بازم بسیک سرایندگان قدیمی و شعری بی امضا، با عنوان «جاوید حزیم» و همچنین طرحی از یک شعر، با امضای مولود، به دفتر «مردم» رسیده است.

ما همچنین دوشعر بدون امضاء از یک شاعر، نخست شعری با مطلع «بایاد توای واژه عسبان»، تقدیم به شهید تیزابی، و شعر دوم با مطلع «آسمان خونین/ صداها در فضای سینه آماده» و شعری نیز از ب. نسیم تقدیم به مادر شهید یزویز حکمت جو، دریافت داشته ایم. این قطعه با ابیات زیرین پایان مییابد:

مادر، ای توده ای/ ای جاودان درخون ماجاری/ تو از اینجا تا ویتنام مادری/ تو برق خونین حزب ما را مادری.»

افغانستان دوستی و برادری ما با این مردم رنج کشیده، وظیفه داریم که پرده دود تبلیغات را بکنار زنیم و نشان دهیم که در واقع چه میکنند و چگونه در آنجا امپریالیست ها و ارتجاع میخوانند بنام اسلام همان چیزی را بدست آورند که در ایران نیروهای مترقی اسلام از دستشان بدر آورده اند. شعر شما، دوست عزیز ناهید، نشانی از احساسات گرم شماس و امیدواریم با کار و مطالعه و آشنائی هر چه بیشتر با ارثه غنی ادبی میهن ما، قریحه شما هر چه پربارتر شود و آثار هر چه بهتری ارائه نمائید.

● شعر ح. نس. باران با عنوان «نامت بلند باد»، تقدیم به حزب، رسیده است، منجمله با این ابیات، «ما/ قلب وسیع و قدیمی خویش را/ آرزو کارخانه های پراز کوبه کرده ایم/ تا نام پر شکوه ترا/ هر عابری نظاره کند.»

شعر سیفالله الف، تقدیم به تیزابی، نیز رسیده است، که با این بیت تمام میشود، «فردا پسرمن هزاران عمو خواهد داشت.»

# امپریالیسم دیگر ابتکار تاریخی را در دست ندارد سوسیالیسم پیش از پیش به عامل قاطع تکامل تاریخی مبدل میشود

یکی از اشتباهات اسلویی که در جریان بحث‌های سیاسی در نزد افراد مختلف، حتی افرادی که دارای حسن نیت سیاسی و شیوه موقتی تفکر هستند، دیده میشود، عبارت است از دیدگاه گهنگنه شده‌ای درباره سیاست جهانی.

در فاصله بین دو جنگ جهانی، امپریالیسم انگلستان و امپریالیسم آمریکا، دو نیمکره جهانی را بین خود تقسیم کرده بودند. آمریکا، تحت پرچم «امریکا مال امریکاییان است»، «دکترین مونرو» و سیاست باصطلاح «عزت گرائی»، به غارت امریکای لاتین و جزایر کارائیب و جزایر همین از اقیانوس کبیر بسنده میکرد و چون خود دارای منابع ثروت عظیم بود و از کارسایان و دیگر رنگین پوستها تا حد سردگی، بهره‌کشی برونشانه میکرد، خود را به تکامل صلح آمیز سرمایه‌داری انحصاری، در عالیترین سطح آن، دلخوش ساخته بود و در ظاهر کاری به عرصه «پسر عمومی» انگلوساکسون خود نداشت.

## جنگ سرد

قصه تاریخ نویسی در میان نیست، لذا بنحو خلاصه باید بگوئیم که «جنگ سرد» با قوت تمام از آغاز خود (۱۹۴۹) تا سال ۱۹۷۰، یعنی ۲۱ سال بعد، که اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی تفرقی صلح را آغاز کردند، ادامه داشت.

این سالها، سالهای سیاه سرکوب خونین جنبشهای انقلابی و رهائی بخش و غارتگری وحشتناک نواستعماری امپریالیستی است، که ۵۵ پراپرغارتگری بیش از یک قرن استعمار است. این سالها، در کشور ما، موازی با زایش و رفیقه شدن یکی از فرم‌های پدیدارترین رژیم‌های دزد و آدمکش و ارتجاعی تاریخ جهان است که نظیر آن کمتر دیده شده است.

البته در این سالها نیز، برخی جنبشهای مترقی در آسیا و آفریقا و امریکای لاتین به پیروزی‌هایی رسیدند، ولی بهر جهت دورانی بود که امپریالیستها، و بر رأس آنها امپریالیسم آمریکا، مستانه فریاد

میکشیدند که ما آقای جهانیم و ابتکار تاریخ را در دست داریم! با تکیه بدمستی آنها، چاکر رذل و دزد آنها، محمدرضا پهلوی، در این کشور بلاکشیده، بنوبه خود، نمه مستانه میکشید و تاریخ را توسی خورده‌ترین و مطیع‌ترین نوکر آستان «شاهنشاهی» خویش می‌شمرد!

از سالهای هفتاد این وضع بشکل کیفی در جهان تغییر کرد. تغییر تناسب نیروها در عرصه سیاسی، نظامی و اقتصادی بسود سوسیالیسم، جنبشهای انقلابی و جنبشهای رهائی بخش ملی از سوئی، بحران مزمن و ویرانگر اقتصادی و اجتماعی در کشورهای رشد یافته سرمایه‌داری از سوی دیگر، فصل نویی را در تاریخ آغاز کرد.

امپریالیستها و بر رأس آنها امپریالیسم آمریکا که قصد داشتند کشورهای سوسیالیستی را نابود کنند، (چنانکه جرج آلن سفیر سابق آمریکا، موافق یک سند موقت، تا آنجا دور رفته بود که فرمانداری شهر مسکو را، بیکی از سیاستمداران ایران، بمنظور جلب وی بهمکاری با آمریکا، وعده داد!) ناگهان با وضع نوی روبرو شدند! آنها مجبور شدند بیک سلسله قراردادهای

البته این کار برضا و رغبت آمریکا انجام نکرده بود. آمریکا، پس از پیروزی بر آلمان قیصری در جنگ اول جهانی، خواست به عرصه قدرت رقبا انگلیسی، فرانسوی، پرتغالی، هلندی و ایتالیایی دست درازی کند. از جمله در مورد کشور ما میتوان آمدن کسانی مانند مورگان شوستر و میلیسبو بایران و تلاشهای شرکت «دلوار» برای بهره‌کشی از نفت شمال ایران را بخشی از این سیاست دانست. ولی لندن موفق شد واشنگتن را به عقب نشینی و به اتخاذ سیاست «عزت گرائی» (یعنی راهزنی تنها در منطقه خود) وادارد.

پس از جنگ دوم جهانی و شکست آلمان هیتلری و ضعف مفرط رقیب انگلیسی و رقبا دیگر، آمریکا زمینه را برای سیطره جوئی جهانی خود فراهم یافت و با تمام نیرو وارد میدان شد. سیاست «عزت گرائی» خاتمه یافت.

در ایجاد چرخش در سیاست آمریکا پس از روزولت، انگلستان (و نخست وزیر وقت آن وینستون چرچیل) نقش مهمی ایفاء کرد.

امپریالیسم آمریکا، چنانکه طبیعی و ناگزیر بود، بسوی «متحدین طبیعی»، یعنی امپریالیستهای دیگری روی آورد و آنها را در زیر پر خود جمع کرد و سیطره خود را از راه بلوکهای ناتو، سنتو، سیتو و ایجاد شبکه وسیع پایگاههای نظامی در جهان برقرار ساخت و کوشید تا نوعی محاصره جدید کشورهای سوسیالیستی بوجود آید. جان فوستر دالس وزیر خارجه وقت امریکاممار این سیاست بود، که به سیاست «جنگ سرد» شهرت یافت.

امریکا با تکیه انحصار بمب اتمی، با تکیه آنکه از جنگ جهانی دوم سودهای کلان برده و هنگامی که صنایع شوروی را ارتش دد منش مهاجم هیتلری نیست و نابود میکرد، امریکا صنایع مدرن اتوماتیک خود را ساخت، با تکیه در دست داشتن منابع ثروت آسیا، آفریقا و امریکای لاتین، روی در روی اتحاد شوروی ایستاد و با خشونت و قساوت جنبشهای انقلابی و رهائی بخش را سرکوب کرد و جانوران آدمخواری از نوع محمد رضا پهلوی، سینگه مان ری (کوره) بنگوون دیم (ویتنام جنوبی) چان کای شک (چون) و امثال آنها را مورد حمایت قرارداد.

در جهت صلح و کاهش تنش، بر سمیت شناختن مرزها، کاستن از تسلیحات، همکاریهای مختلف در زمینه‌های علمی و فرهنگی، علی‌رغم خود، تن در دهند و کسول تلخ رهائی کشورهای مختلفی را در آسیا، آفریقا و امریکای لاتین با چهره درهم کشیده و ترس کرده، بناچار ببلند. امضاء قرارداد «سالت ۲» که اخیراً در وین انجام گرفته، یک حادثه نمونه و اوست. رژیم کارتر - برژنفسکی، چند سال پیش، باین قصد سرکار آمد که جلوی «تسلیم طلبی» دولت نیکسون را بگیرد و بوضوح بمب نوترون، موشک بالدار، زیر دریایی «ترایدنت»، هواپیماهای آواکس، هواپیماهای «ام ایکس» و دیگر سلاحهای نوساخته، سوسیالیسم را وادار به عقب نشینی کند. ولی فرستاده کارتر، و نس، از همان آغاز بسا چهره مصمم و بی‌اعتنای اندره گس و میکروبر شد و همان موقع دانست که «کور خوانده است».

## گроз حقوق بشر

کارتر تصور میکرد که میتواند علاوه بر تسلیحات جدید که بر شمردیم، همچنین با گروز «حقوق بشر» و با تکیه و ازدگانی از نوع ساخاروف، سوک نیتسین، بیکوسکی و پلوج و امثال این قبیل اشخاص، گوید در کشورهای سوسیالیستی «انقلاب امریکائی» برپا کند، ولی حوادث ایران و نیکاراگوئه نشان دادند که این تیر پرتابی به چناب ایشان باز میگردد و خلقتها نوکران جبار پنتاگون از نوع محمدرضا و ساموئیل در جهان بر دلا می‌کشند و روشن می‌سازند که بزرگترین لگدمال کننده حقوق بشر «کاخ سفید» و سنای امریکاست که برای جلدان رژیم پهلوی سوگواری براه می‌اندازد.

هر کس میخواهد در سیاست اشتباه نکند، باید از پیدایش این کیفیت نوین آگاه باشد و بداند که وضع در جو تاریخ تغییر کرده است.

امپریالیسم ابتکار تاریخی را از دست داده است و در انواع معضلات خود مایوسانه دست و پا میزند. سوسیالیسم ابتکار تاریخ را محکم در دست دارد. تناسب نیروها بزیان امپریالیسم و بسود سوسیالیسم دگرگون شده است. امپریالیسم و بر رأس آن امپریالیسم آمریکا، بطور نسبی ناتوان تر شده است، البته این ابدأ بان معنا نیست که امپریالیسم هنوز منبع خطرات مهم نیست و امکانات وسیع در اختیار ندارد و یا «بیر کافذی» است و نمیتوان آنرا نادیده گرفت. چنین تصورات دل خوش ساز، گمراهی عظیمی است. امپریالیسم بحد اعلا فعال، غدار، قسی، مکار، با تجربه و مجهز به انواع وسائل، از مدرن ترین تکنیک تا صدها میلیون نیروی انسانی است. بسیاری از مختمات روحی متداول مانند ملت گرائی، خرافات، عشق به مالکیت، تلقی غلط از آزادی و دمکراسی، ذخائر معنوی برای امپریالیسم است. لذا امپریالیسم کماکان در کار حمله و حمله متقابل است. ولی علی‌رغم همه اینها، تاریخ دیگر قرقگاه بی‌رقیب امپریالیسم نیست و سوسیالیسم در تعیین سرنوشت انسان نقش درجه اول ایفاء میکند. ما با خوش بینی علمی و موقوف به آینده می‌فکریم.

## خرم آباد روبه آرامش می‌رود

وضع انفجاری خرم آباد، که عناصر افسراطی راست و چپ مسبب ایجاد آن هستند، روبه آرامش می‌رود. نفوذ مته‌ولین و عناصر مشکوک در کمیته‌ها، توطئه‌های گروهک‌های مائوئیستی، که با دادن شمارهای تحریک کننده بهانه بدست عوامل مشکوک کمیته‌ها میدهند و تحریکات دانسته یا ندانسته قشرون، خرم آباد را تا آستانه انفجار پیش برسد. بعد از حمله افراد تحریک شده به کتابفروشیها و سوزاندن کتابها، انوشیروان رضائی، یکی از یاساداران شهر، با گلوله ضد انقلاب بشهدات رسید. بدنبال شهادت این یاسدار مترقی، گروه‌های مترقی فعالیت برای آرام کردن شهر را آغاز کردند. از جمله هواداران حزب توده ایران، با انتشار اعلامیه‌ای، امپریالیسم آمریکا و بازماندگان رژیم پهلوی و زخم خورده‌گان از انقلاب ایران را مسبب این جنایت معرفی کردند و خواستار اتحاد همه نیروهای راستین انقلابی برای مقابله با جنایات و توطئه‌های ضد انقلاب شدند.

## تصحیح

رفیق حسین جودت، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران است، که متأسفانه در شماره گذشته، اشتباهاً عضو کمیته مرکزی ذکر شده است. بدینوسیله، با پوزش، تصحیح میشود.

# کمونیستهای سراسر جهان از انقلاب ایران دفاع میکنند

خوانندگان گرامی میرسانیم:

مذبح‌خانه‌ای را در ایالات بلوچستان و کردستان و ایالت نفتخیز خوزستان آغاز کرده‌اند و دوروز بعد روزنامه لوموند نوشت که تروها از طرف امپریالیسم آمریکا نقشه ریزی و انجام شده است. پس از پیروزی انقلاب فوریه (بهمن ۵۷)، ایران از پیمان ستروخارج گشت، تحویل نفت را به اسرائیل و آفریقای جنوبی متوقف ساخت، پشتیبانی خود را از انقلاب فلسطین و سازمان آزادیبخش فلسطین اعلام کرد، سیاست خیا ننگارانه و سازشکارانه سادات را محکوم نمود و تمایلی خود را به پیوستن به چرگه کشورهای غیرمتمدان اعلام نمود. به این سمت گیری‌های مثبت سیاست خارجی ایران، اقدامات مترقی دیگری مانند کوتاه کردن دست انحصارات نفتی بین‌المللی از نفت ایران و اعمال واقعی قانون ملی شدن صنایع نفت،

«پس از شکست مفتضحانه‌ای که در حمایت از تخت و تاج شاه مخلوع نصیب امپریالیسم یانکی گشت، امریکا درصدد برآمد که به کمک توطئه و ارعاب و با استفاده از مسائل ویژه داخلی ایران، مانند مسئله اقلیت‌های مذهبی و یا بهانه وجود ملیت‌های مختلف در داخل کشور، اوضاع را متشنج کند و پهنایهای حکومت موقت انقلابی ایران را متزلزل سازد. هنگامی که امپریالیسم متوجه شد که، بعلم یکپارچگی ملت، نتایج مورد نظر از این راه حاصل نمی‌شود سعی خود را متوجه ایجاد تفرقه بین تیرهای طرفدار انقلاب کرد و در این راه از طرق سیاسی و حتی با استفاده از ترور فردی اقدام به عمل کرد. با در نظر گرفتن واقعیت‌های فوق است که آیت‌الله خمینی، طی نطقی در پی وقایع نامبرده گفت که، امپریالیست‌های امریکائی تحریکات

به هنگامی که روزنامه‌ها و وبگاههای سخن پراکنی وابسته به محافل امپریالیستی، انقلاب ما را آماج تیر حملات خود قرار داده‌اند و با وارد کردن تهمت‌های ناروا و دگرگون ساختن واقعیت‌های جامعه ما درصددند که آب رفته را بجوی بازگردانند و منافع نامشروع ناشی از چپاولگری‌های خود را مجدداً برقرار سازند، هستند نیروهای ترقیخواهی که بانگ رسای خود را در پشتیبانی از انقلاب ما، در چهار گوشه جهان، بگوش همگان می‌رسانند و صدقانه از مبارزه خلق‌های دگرگون امپریالیسم جهانی، و در رأس آن امپریالیسم آمریکا، حمایت میکنند. درصوف اول این مبارزان، در سرتاسر جهان، در همه حال کمونیستها، این انقلابیون صدیق و مردمی و این انترناسیونالیست‌های بی‌گن و واقعی قراردادند. در حالیکه تمام مطبوعات بورژوائی در رادیو و تلویزیونهای کشورهای غربی علیه انقلاب ایران و رهبر آن دروغ و تهمت پخش میکنند و میکوشند چهره خوفناکی از اوضاع همین ما را بهمگان معرفی کنند، نشریات احزاب کمونیست و کارگری به دفاع از انقلاب خلق ایران برمی‌خیزند. بعنوان نمونه خلاصه مقاله مسیوطی را، که تحت عنوان «تجزیه و تحلیل سیاست امریکا نسبت به ایران» در نشریه «تریبون پوپولار» ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست ونزوئلا، انتشار یافته است، با اطلاع

برچیدن دستگاههای جاسوسی الکترونیکی مدرن امریکا بر علیه اتحاد جماهیر شوروی و سایر اقدامات را می‌توان افزود... تریبون پوپولار، روزنامه کمونیست‌های ونزوئلای، سپس به هیاهوی محافل امپریالیستی در سنای امریکا اشاره می‌کند و پس از بر ملا ساختن رابطه سناتور جاپوتیس با شاه مخلوع و اینکه این شخص سالانه ۷۰ میلیون دلار از طریق هواپیمائی ملی ایران از دولت ایران دریافت میکند، مینویسد که «عمل سنای امریکا نشان دهنده خشم محافل امپریالیستی در رابطه با از دست رفتن منافع نامشروع غارتگرانه آنها در ایران است...» چنین است خلاصه‌ای از تفسیر روزنامه تریبون پوپولار، ارگان مرکزی حزب کمونیست ونزوئلا درباره ایران.

و این فقط نمونه‌ای است از این واقعیت که در سراسر جهان کمونیست‌ها، کسه به امر بزرگ همبستگی یکبار جوینده خلق‌ها علیه امپریالیسم وفادارند، علیه موج عظیم تبلیغاتی انحصارهای امریکائی بر ضد انقلاب ایران، پهاخته‌اند و در رأس همه نیروهای مترقی و ضد امپریالیستی راستین از انقلاب ما دفاع می‌کنند.

# لزوم قطع رابطه ریال و دلار و بهبود سیستم ارزی کشور

## روند بازسازی ارتش موجب نگرانی جدی است

روند بازسازی ارتش بگونه‌ای آغاز شده و ادامه دارد که ابتدا در جهت نوسازی ارتش، در جهت ایجاد یک ارتش ملی و خلقی نیست. مقامهای مسئولی که در کار بازسازی ارتشند، باید این واقعیت را بدانند که هر انقلابی میبایستی ارتش خودش را بوجود آورد، و مادام که انقلاب ایران از نظر محتوا و هدف انقلابی، ضد امپریالیستی (ملی) و ضد استبدادی (دموکراتیک و خلقی) است، پس ارتش رژیم و ازگون شده ضد ملی و ضد خلقی، میبایستی از بنیاد نوسازی شود، وگرنه بازسازی ارتش بصورت سابق، ایجاد قدرتی بسیار خطرناک برای آینده انقلاب خواهد بود.

بیش از ۵ ماه است که از پیروزی انقلاب میگذرد، ولی هنوز نه فقط ارتش از عناصر ضد انقلابی پاک نشده، بلکه سازمان «ضد اطلاعات» ارتش، که چیزی جز «ساواک» ارتش نیست و بدست مستشاران نظامی آمریکایی برای برقراری سیستم جاسوسی و کنترل پنتاگون در نیروهای مسلح ایران، ایجاد شده بود، احیاء گردیده و مجدداً مشغول «کار» شده است. گروهی (بیش از دویست نفر) از مستشاران نظامی آمریکایی هنوز در حساسترین جاهای ارتش باقی و مشغول «فعالیتند». کوششی برای گسستن وابستگی تسلیحاتی ارتش بعمل نیامده که سهل است، یدکی برای تانکهای چینی با کشتی وارد بندر جنوب میشود و نیز زمزمه‌هایی هر روز قویتر بکوش میرسد که، باید تسلیحات جدیدی از آمریکا خریداری کرد.

در چنین اوضاع و احوالی، که ابتدا با انقلاب ایران سازگار نیست، کوشش مجدداً برای عمل میاید که ارتشیان را از گرایش بسوی آگاهی از مسائل سیاسی که پیدا کرده‌اند، بازدارند، تبلیغاتی را که در گذشته بود حکمروائی امپریالیسم آمریکا در ارتش بعمل میآمد، رفته رفته برپا کنند و چون اینسکار در حال حاضر علناً دشوار است، تبلیغات ضد شوروی را، که در گذشته در ارتش رواج داشت، دوباره شایع و رایج سازند و با هلم کردن خطر موهوم شوروی، اتحاد با آمریکا را «ضرور» جلوه دهند. علاوه بر این، کوشش مجددانه‌ای بعمل میاید که دوباره اطاعت کورکورانه راجع عنوان «لزوم انضباط» در ارتش برقرار سازند.

خلاصه روندی در بازسازی ارتش جریان دارد که اگر متوقف نشود، ارتش را میتواند بدل به نیروئی گرداند که دشمنان خارجی (امپریالیسم) و داخلی (بازمانده‌های رژیم شاه مخلوع) بتوانند آنرا بصورت بمبی با ماسوره تأخیری علیه انقلاب بکار برند.

یک چنین روند بازسازی ارتش موجب نگرانی جدی است و تمام مقامات دولتی و ارتشی که وفادار به انقلابند، باید با قاطعیت از جریان آن جلوگیری کنند و به نوسازی ارتش، نوسازی بنیادی آن به یک ارتش ملی (مدافع مرزها و تمامیت ارضی کشور) و خلقی (همراه با خلقی، پشتیبان خلق و برخوردار از پشتیبانی خلق) بپردازند. برای این کار باید «ضد اطلاعات» کنونی ارتش منحل گردد و مستشاران نظامی آمریکایی، این مأموران پنتاگون در ارتش ایران تا آخرین نفر اخراج گردند. ساختار نوع آمریکایی ارتش دیگرگون شود، از وابستگی تسلیحاتی، تعلیماتی، تبلیغاتی آن رها گردد، در ارتش انضباط آگاهانه و معنوی، بر مبنای ارتقاء آگاهی سیاسی ارتشیان و شرکت آزاد آنان در سیاست، برقرار شود.

در یک کلام، در برابر مقامات مسئول دو راه قرار دارد، یا ارتش را چنان بازسازی خواهند کرد که بصورت ارتش سابق در آید و یا ارتش را از بنیاد نوسازی خواهند کرد، چنانکه بدل به یک ارتش ملی و خلقی شود. آن بازسازی، یعنی ایجاد خطر جدی و مهلك برای انقلاب، و این نوسازی، یعنی تأمین و تضمین انقلاب. ما خود را وظیفه دار میدانیم که به مسئولان نظامی و غیر نظامی هشدار دهیم که روند نوسازی ارتش در عکس جهت، بزبان آینده انقلاب جریان دارد. باید از آن جلوگیری و بی‌درنگ و بسا قاطعیت به نوسازی بنیادی ارتش پرداخت.

رژیم ضد خلقی شاه مخلوع، که وجه مشخصه آن خدمت به اربابان امپریالیست و در رأس آن‌ها امپریالیستهای آمریکایی بود، برای فراهم کردن امکان غارت منابع طبیعی و استثمار نیروی کار کشور ما، نه تنها از وسائل سرکوب مانند ارتش و ساواک استفاده میکرد، بلکه از ابزارهای اقتصادی نیز بهره‌می‌جست. اجرای سیاست درهای باز اقتصادی، افزایش مخارج غیر تولیدی و نظامی، در جهت ازدیاد درآمد اقلیتی از افراد جامعه و بفتح انحصارات و سرمایه‌های غارتگر امپریالیستی از جمله این ابزار بودند.

دولت ضد مردمی و ناکر صفت هویدای معدوم در سال ۱۹۷۴ سیاست اقتصادی خود را ازدیاد مصرف از طریق وارد کردن کالا و خدمات از کشورهای غربی اعلام کرد. اما این اقدامات، یعنی افزایش مخارج غیر تولیدی کشور، خریدهای هنگفت نظامی و ایجاد تسهیلات و شرایط مساعد برای سرمایه‌گذاری کشورهای امپریالیستی، اربابان جهان‌نخوار شاه مخلوع را راضی نمی‌کرد. برای صدور هر چه بیشتر کالا به ایران میبایست صنایع و تولیدات کشاورزی ایران نابود میشد و یا لاقط قدرت رقابت خود را در مقابل کالاهای وارداتی از دست میداد تا از یکسو احتیاجات کشور به واردات و در نتیجه به صدور نفت هر چه بیشتر افزایش یابد و از سوی دیگر وابستگی تولیدات و کالاهای ساخت غرب بیشتر شود.

رژیم فاسد پهلوی برای اینکه کشورهای سرمایه‌داری غرب بتوانند محصولات صنعتی و کشاورزی خود را در ایران سهل‌تر و آسانتر بفروش برسانند، ارزش ریال ایران را به دلار آمریکا وابسته کرد. دلیل عمده این عمل این بود که از تغییر بموقع و مقتضی نرخ برابری ریال و دلار جلوگیری شود تا برای یک مصرف‌کننده ایرانی، خرید کالاهای خارجی ارزانتر از خرید کالاها و محصولات ساخت وطن تمام شود.

### صدمات اقتصادی ناشی از ارتباط اسارت با ریال

#### و دلار

برای درک بهتر عوارض و صدمات اقتصادی ناشی از ارتباط اسارت با ریال و دلار ذکر توضیحاتی ضرورت دارد. هنگامی که دو کشور با یکدیگر مبادلات بازرگانی دارند، بهای کالاهای وارداتی و صادراتی آنها بر اساس نرخ ارزی که بوسیله عوامل اقتصادی تعیین شده است، پرداخت یا دریافت میگردد. هنگامی که در کشور اول افزایش قیمت‌ها سریعتر و بیشتر از کشور دوم باشد، طبیعی است کشور اول برای حفظ بازارهای داخلی و خارجی خود مجبور است یا ارزش پول خود را در مقابل کشور دوم تنزل دهد یا بطور جدی با تورم مبارزه کند. چنانچه کشور مورد بحث نتواند تورم داخلی خود را کاهش دهد و نیز ارزش پول خود را پایین نیاورد، کالاهای وارداتی از موقعیت رقابتی بهتری از کالاهای ساخت داخل برخوردار میشوند، زیرا تورم کشور خارجی کمتر از داخل بوده است و در نتیجه کالاهای خارجی ارزان‌تر از محصولات داخلی بفروش میرسد. ذکر این نکته ضروری است که عوامل دیگری نیز در تشدید یا تخفیف این عوارض دخیل هستند، ولی ما در اینجا برای سادگی مطلب از ذکر آنها خودداری میکنیم.

طی سالیان دراز، در اثر سیاستهای خائنه اقتصادی، پولی، مالی و ارزی رژیم مزدور شاه مخلوع، طبق آمارهای رسمی، که حتی در صحت آنها هم تردید وجود دارد، نرخ تورم و افزایش قیمت کالاهای مصرفی در ایران همواره بیشتر از کشورهای سرمایه‌داری، بخصوص آمریکا، آلمان غربی، ژاپن و فرانسه، یعنی عمده‌ترین شرکای تجارت خارجی کشورمان بوده است. مثلاً در سال ۱۹۷۵، نرخ تورم در ایران حدود ۱۳ درصد بود، حال آنکه افزایش قیمت‌ها در آمریکا و آلمان غربی به ترتیب ۹/۲ درصد و ۳/۵ درصد بود. به همین ترتیب در سال ۱۹۷۶، نرخ تورم در ایران بیش از ۱۱ درصد و در همان سال نرخ تورم در آمریکا از ۶ درصد تجاوز نکرد. در سال ۱۹۷۷، که آمار و عوارض نامطلوب سیاستهای ضد ملی رژیم ددمنش شاه مخلوع بیشتر مشهود گشت، نرخ تورم در ایران (باز هم طبق آمار رسمی غیر قابل اعتماد) از ۲۰ درصد گذشت و به حدود ۲۷ درصد رسید، ولی نرخ تورم در آمریکا نزدیک به ۷ درصد بود.

بدین ترتیب، همانطوریکه تشریح شد، برای حفظ بازارهای داخلی کشور از دستبرد غارت امپریالیسم جهانی، ارزش ریال در مقابل دلار میبایست کاهش مییافت و طبق محاسبات مقدماتی، ارزش هر دلار بجای نرخ رسمی فعلی ۷۰/۶ ریال میبایست به رقمی حدود ۹۰ ریال میرسید.

### فرار استثمارگران

ظاهراً حکومت خیمه شب‌بازی اسقف موزوروا در رودزیا نتوانسته است سفیدپوستان را، که از اوج‌گیری قیام سیاهان بگریزند، آرام کند. به گزارش رویتر اکنون هر ماه بطور متوسط هزار سفید پوست از رودزیا خارج میشوند. موزوروا گفته است هر کس که از کشور خارج شود، برای ورود مجدد باید ۲۸ هزار دلار بپردازد. فراسفیدپوستان البته بدون دلیل نیست. مبارزه زحمتکش و میهن‌پرستان سیاه علیه رژیم سالیسوری افزایش یافته است. در نبردهای چندروز گذشته میان میهن پرستان و مزدوران رژیم بازنده زیادی کشته و مجروح شده‌اند. میهن پرستان اکنون در نود درصد خاک کشور به مبارزه مشغول‌اند.

### سود کلانی که سرمایه‌داری بزرگ وابسته میبرد

در اوایل سال ۱۹۷۵ (اسفند ۱۳۵۳)، یعنی هنگامی که محمد یگانه عامل سرسپرده امپریالیسم آمریکا، رئیس بانک مرکزی ایران بود، محافل پولی بین‌المللی و در رأس آن امپریالیسم آمریکا، آنگنان سیستم نرخ ارزی را به دولت ایران تحمیل کردند که نه تنها مانع تبدیل و تغییرات بموقع و مناسب نرخ ریال با دلار و سایر ارزهای خارجی میشد، بلکه هنگامی که ارزش دلار در بازارهای جهانی نسبت به پولهای اروپائی و ژاپن بالا میرفت، بجای تنزل مناسب ارزش ریال در مقابل دلار، قیمت دلار آمریکا نسبت به ریال ایران کاهش مییافت. یعنی بجای آنکه کالاهای آمریکایی سخت‌تر و گرانتر وارد کشور شود، بالعکس قیمت واردات از آمریکا ارزانتر میشد. تغییرات متعددی هم که در برابر ریال و دلار در سالهای ۱۹۷۴-۱۹۷۵ ایجاد شد، نه تنها مخالف منافع خلق‌های ایران و حتی سرمایه‌داران و کشاورزان ملی و غیر وابسته به اجنبی بود، بلکه کاملاً بنبغ غارتگران بین‌المللی، خصوصاً سر دسته غارتگران، یعنی امپریالیسم آمریکا تمام شد. تنها گروهی که از این سیاست‌ها در داخل کشور بهره‌مند شد، قشر انگل صفت سرمایه‌داری بزرگ وابسته بود.

از جمله سایر عوارض اقتصادی ناشی از سیستم تحمیلی محافل پولی بین‌المللی، سهل‌تر شدن خروج سرمایه و ارز و تشویق به فرار سرمایه از ایران بود. البته عدم تعادل بین ارزش ریال و دلار، که مستقیماً ناشی از وابستگی ریال به دلار بود، تنها علت فرار سرمایه از کشورمان نبود. ما در اینجا به سایر عوامل اقتصادی و سیاسی نمیپردازیم و فقط به ذکر این نکته اکتفا میکنیم که چون ارزش ریال بالاتر از حد متعادل و ضروری آن تثبیت شد، سرمایه‌داران، زمین بازان و دلالانی که در اثر سیاست غلط ضد مردمی رژیم ساقط شده پهلوی ثروت هنگفت و بدون زحمتی کسب کرده بودند، با خرید دلار ارزان‌تر از نرخ واقعی، ارز بیشتری بپوشاک آوردند و به کشورهای غربی، به خصوص آمریکا صادر کردند. هر چند آمار رسمی خروج سرمایه از کشور در دست نیست، ولی بجز این میتوان گفت که طی سالهای ۱۹۷۵ - ۱۹۷۸، بیش از ۱۰ میلیارد دلار ارز از ایران خارج شد، در حالیکه رژیم بیگانه پرست شاه مخلوع، از دادن اعتبار جهت تأسیس درمانگاه و مدرسه و دیگر تاسیسات عام‌المنفعه ضروری خودداری میکرد.

### کمک به هدایت اقتصاد ایران در جهت تأمین منافع زحمتکش

بطور خلاصه، از آنچه که ذکر شد، چنین نتیجه‌گیری میشود که نقش ارزش خارجی ریال و نحوه تسدوین ارزش گذاری آن در مقابل ارزهای خارجی، بخصوص دلار، که اکثر دریاها و پیرداختهای ارزی کشورمان بر حسب آن انجام میشود، حائز اهمیت فراوان است. عمده‌ترین نقش سیستم ارزی، کمک به هدایت اقتصاد کشور در جهت تأمین منافع زحمتکش و سرمایه‌داران ملی است. از این وسیله هم میتوان در جهت حفظ منافع ملی و تحکیم دستاوردهای انقلاب شکوهمند مردم ایران استفاده کرد و هم در جهت تخریب اقتصادی. چنانچه این ابزار مهم آگاهانه و با مطالعه دقیق مورد استفاده واقع نگردد، آثار و عوارض نامطلوبی که هم‌اکنون در اثر خیانت رژیم فاشیستی و مدفون پهلوی وجود دارد، گسترش خواهد یافت و یا لاقط معضلات موجود، حل نشده باقی خواهد ماند.

ما در شماره‌ی آینده به بررسی تصمیمات متخذه توسط بانک مرکزی ایران خواهیم پرداخت و آن سیستم ارزی مناسبی را که حافظ استقلال و منافع ملی کشورمان است، تشریح و پیشنهاد خواهیم کرد.

### کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

#### هموطنان! رفقا و دوستان!

حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، پس از سی سال مبارزه در شرایط دشوار مخفی، فعالیت علنی و قانونی خود را آغاز کرده است. لازم به تأکید نیست که اکنون وظایف سنگینی در مبارزه به‌خاطر تحکیم دستاوردهای انقلاب و نوسازی جامعه ما، در برابر حزب قرار دارد. انجام این وظایف از جمله بقدرت مالی حزب وابسته است. لذا کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است. لذا کاری‌های اعضا، هواداران و دوستان حزب در این زمینه در گذشته غرور انگیز است. اکنون نیز ما مطمئن داریم که اعضا، هواداران، دوستان و همه کسانی که به پیروزی نهائی و قطعی انقلاب ایران صادقاته علاقمندند، به حزب طبقه کارگر ایران یاری خواهند رساند.

کمک مالی را می‌توان مستقیماً به دفتر حزب داد و یا با تلفن‌های ۹۴۳۵۷۲۸، ۹۴۳۵۵۹۰، ۹۴۳۵۴۰۰ آمارگی خود را اعلام داشت. از طرف دفتر حزب ترتیب دریافت کمک داده خواهد شد. علاوه بر این، علاقمندان می‌توانند کمک مالی خود را یکی از دو حساب بانکی زیرین بپردازند:

۱- حساب بانکی به نام تقی‌کی‌منش و به شماره ۴۴۴۳، شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران، (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی (ایران نوین سابق).  
۲- حساب بانکی شماره ۱۱۸۸، شعبه ۳۱۹۰ بانک صادرات

# هموطنان! از نامزدهای حزب توده ایران برای مجلس خبرگان پشتیبانی کنید

حزب توده ایران داشتن يك مسکن مناسب برای زندگی را حق طبیعی تمام افراد کشور میداند و معتقد است که مسئله مسکن، بعنوان یکی از عمده ترین مشکلات اجتماعی، باید در مرکز توجه قانون قرار گیرد و با يك سلسله تدابیر سنجیده به حل آن کمک شود. از آنجا که حزب توده ایران یکی از بدترین، ننگین ترین و نفرت انگیزترین خصیصت رژیم پشیمان را، خصیصت شکنجه گری آن میداند، معتقد است که در قانون اساسی آینده ایران باید هرگونه شکنجه و تنبیه بدنی و روانی نسبت باشخاص، چه بدستور مقامات دولتی و قضائی و چه خود سرانه از جانب مأموران دولتی، جداً منع و در صورت ارتکاب، مجازات مقتضی در نظر گرفته شود. حزب ما معتقد است که در جمهوری اسلامی ایران باید به شکنجه جسمی و روانی انسانها برای همیشه پایان داده شود.

حزب توده ایران، همانطور که در اعلامیه مورخ ۱۶ تیرماه ۱۳۵۸ خود یادآور شده است:

«بر پایه دفاع از دستاوردهای انقلاب و مبارزه بخاطر تثبیت و گسترش آن و برای عقیم ساختن توطئه های رنگارنگ ضدانقلاب در کارزار انتخاباتی مجلس خبرگان شرکت میجوید... حزب توده ایران پشتیبانی از دستاوردهای انقلاب و مبارزه برای تثبیت و گسترش آن و پشتیبانی از رهبری امام خمینی را از شرایط اساسی يك نامزد شایسته مجلس خبرگان میشمرد... حزب توده ایران آماده است تا تمام مساعی خود را در راه تنظیم يك قانون اساسی در خورد انقلاب ایران و خلقهای فداکار این سرزمین بکار برد.»

نامزدهای حزب ما، که در کارزار انتخاباتی مجلس خبرگان شرکت میکنند، نمایان حزب ما برای حصول به هدفهای متعالی و مرفعی پیش گفته اند. از همه اعضا، هواداران و دوستان حزب، از همه مردم میهن دوست، آزادپخواه و ضدامپریالیست دعوت میکنیم که موفقیت نامزدهای حزب ما را تسهیل کنند و آنان را در انجام وظایف میهنی خویش یاری دهند.

حزب توده ایران از خودمختاری خلقهای ایران در چارچوب وحدت ملی و با حفظ اکهد استقلال و تمامیت ارضی ایران جانبداری میکند و معتقد است که در قانون اساسی باید آزادی آموزش زبان مادری، استفاده از آن در زمینه آموزش و پرورش عمومی و تعلیمات دانشگاهی و حرفه ای روستائی گنجانده شود و خلقت از حقوق مسلم خود در زمینه وصول و مصرف مالیاتهای مستقیم و عوارض محلی برای تاسین بهداشت و فرهنگ و حفظ امنیت داخلی شهرها برخوردار گردند. تشکیل شوراهای محلی منتخب مردم و شناسائی حقوق اداری و فرهنگی واحدهای ملی از اصول عقیدتی حزب توده ایران است.

حزب توده ایران تامین برابری حقوق زن و مرد را شرط اساسی تحول بنیادی جامعه میداند و معتقد است که برابری کامل حقوق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زنان با مردان باید روشن، صریح و بی خدشه در قانون اساسی مورد تأیید قرار گیرد و کلیه تبعیضها از میان برداشته شود.

حزب توده ایران طرفدار آنست که شیوه انتخاب نمایندگان مجلس و شوراهای باید دموکراتیک باشد و کرسی های نمایندگی مجلس در سطح کشور و شوراهای به نسبت آرائی که بهر يك از سازمانها و احزاب شرکت کننده در انتخابات داده شده است، توزیع گردد.

حزب توده ایران در زمینه سیاست خارجی از سیاست عدم تعهد، عدم شرکت در بلوک بندیهای نظامی بر بنیان حفظ صلح جهانی، عدم تجاوز بخساک سایر کشورها، حسن همجواری و همزیستی مسالمت آمیز و تحکیم و تقویت همکاریهای بین المللی و گسترش مناسبات دوستانه میان دولت های برابری کامل و منافع متقابل و عدم مداخله در امور داخلی سایر کشورها پشتیبانی میکند.

حزب توده ایران معتقد است که اصول فوق باید بعنوان اصول اساسی سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی ایران در قانون اساسی گنجانده شود.

حزب توده ایران نامزدهای خود را برای نمایندگی در مجلس بررسی نهائی پیش نویس قانون اساسی (مجلس خبرگان) معرفی کرده است. نامزدهای حزب ما، همگی از پشتوانه افتخار آمیزی از مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، برای دفاع از آزادی، استقلال و تمامیت ارضی ایران برخوردارند. آنان طی چند دهه مبارزه، رنجهای فراوانی کشیده، پایداری در مبارزه از خود نشان داده، جس و تبعید و مهاجرت متحمل شده و عده ای از آنان، تحت دشوارترین شرایط، ربع قرن بیشتر یا کمتر در زندانهای رژیم پشیمان عمر گذرانده اند.

نامزدهای حزب ما، این بیانگران صدیق منافع طبقه کارگر و سایر قشرهای زحمتکش، مدافع اصول مرفعی پیش نویس قانون اساسی و اصول پیشنهادی حزب ما در جهت تامین استقلال و دموکراسی، پیشرفت اجتماعی و دفاع از منافع زحمتکشان و تعمیق روند انقلاب هستند.

بر اساس اصول پیشنهادی حزب توده ایران، نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی و همچنین برنامه ریزی منظم دولتی قرار میگیرد. بخش دولتی بمثابة عامل عمده اقتصاد کشور در پیشرفت و انجام هدفهای انقلاب نقش درجه اول ایفا میکند و بخشهای تعاونی و خصوصی در چارچوب منافع و مصالح ملی مورد حمایت قرار میگیرند.

اصول پیشنهادی حزب توده ایران حق کار برای هر يك از افراد کشور را از بدیهی ترین حقوق انسانی می شمارد و یکی از نخستین وظایف دولت ها را ایجاد آنچنان شرایطی میداند که بر شالوده آن تمامی مردم بتوانند بشغل و حرفه مورد علاقه خود دست یابند و با کار جسمی و فکری خویش روند تکامل مرفعی کشور را تسهیل کنند. حزب ما معتقد است که حق کار و حق تشکیل اتحادیه های صنفی و حرفه ای باید برای کلیه کارگران و زحمتکشان شهر و ده در قانون اساسی تامین شود.

## نامزدهای حزب توده ایران برای مجلس خبرگان

رفیق کیا نوری در تنظیم سیاست کنونی حزب و پشتیبانی از مشی ضد امپریالیستی امام خمینی، نقش مهمی ایفاء کرده است. در انقلاب بزرگ مردم ایران، حزب از ثمرات تجارب سیاسی وی بهره گرفته و توانسته است فعالیت خود را بعد مؤثری گسترش دهد.



دانشمند  
بی نیاز از  
توصیف

رفیق احسان طبری، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، برای شرکت در مجلس بررسی نهائی پیش نویس قانون اساسی از طرف حزب برای تهران نامزد شده است. شاید نیازی به معرفی رفیق احسان طبری نباشد، زیرا ۴۴ سال مبارزه سرسخت و اصولی وی علیه نظام رضاخان و پسرش، استحکام عقیدتی و فضائل انسانی، دانش گسترده در زمینه های مختلف علوم اجتماعی و نام آوری اش در رشته های مختلف ادبی، وی را، علیرغم سالیان متمادی مهاجرت اجباری، به بهترین وجهی به جامعه ما شناسانده است.

احسان طبری در سال ۱۲۹۵ در ساری (مازندران) تولد یافت و از ۱۷ سالگی به جنبش انقلابی پیوست. وی از شاگردان برجسته و همزمان مجاهد و دانشمند شهید دکتر تقی ارانی بود و همراه گروه مشهور به ۵۳ نفر در سال ۱۳۱۶، بهنگام سلطنت رضا پهلوی، بازداشت شد و پس از نزدیک به ۴ سال زندان، در شهریور ۱۳۲۰ آزاد شد و در بنیانگذاری حزب توده ایران شرکت جست. رفیق طبری در کنگره اول حزب به عضویت کمیته مرکزی حزب و در کنگره

رفیق کیا نوری در کنگره اول حزب به عضویت کمیسیون تقنینی مرکزی، و پس از سرکوب جنبش آذربایجان، به عضویت هیئت اجرایی موقت انتخاب شد. رفیق کیا نوری در مبارزه با جریان انحلال طلبی و راست گرایی خلیل ملکی و در مبارزه با انشعاب، شرکت فعال داشت. وی در کنگره دوم حزب به عضویت کمیته مرکزی و هیئت اجرایی انتخاب شد. رفیق کیا نوری پس از شش ماه کودتای ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ و یورش امپریالیسم و ارتجاع به حزب توده ایران، بازداشت و زندانی شد. وی در جریان دادرسی در بیدادگاه نظامی، بدفاع جدی از سیاست حزب در دفاع از استقلال و آزادی ایران پرداخت و از جنایات و توطئه های استعماری در کشور پرده برداشت و از حقوق ملی و استقلال کشور دفاع کرد. دادگاه رفیق کیا نوری را به ۱۰ سال زندان با اعمال شاقه محکوم کرد.

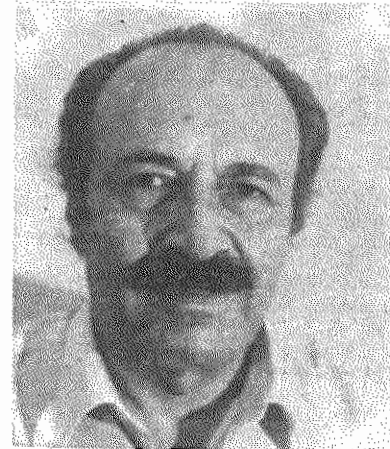
رفیق کیا نوری در سال ۱۳۲۸ مدت یکسال بزندان یزد تبعید شد و بر اثر مبارزه زندانیان سیاسی، در تابستان ۱۳۲۹ مجدداً به زندان تهران منتقل گردید. وی در پائیز ۱۳۲۹ بکمک سازمان افسری، همراه با رفیق شهید روزبه و نفر دیگر از اعضا رهبری حزب از زندان فرار داده شد و بدینسان دوران طولانی کارمخفی او در ایران آغاز گردید. وی غیابا به اعدام محکوم شد.

رفیق کیا نوری در مبارزات سالهای ۲۹-۳۱، یعنی مبارزه برای اتحاد مشی صحیح حزب شرکت فعال داشت. رفیق کیا نوری پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، در تلاش برای تجدید سازمان حزب و احداث چاپخانه های جدید آن شرکت جست و بعد از لو رفتن سازمان نظامی، برای بیرون آوردن بقایای حزب از زیر ضربت دشمن، از پای نشست.

رفیق کیا نوری، در پائیز سال ۱۳۳۴، برای شرکت در پلنوم کمیته مرکزی بخارج کشور احضار شد. وی در افشای خیانت عباس شهریاری نقش مؤثری بازی کرد.

رفیق کیا نوری پس از پلنوم چهاردهم، بعنوان دبیر دوم کمیته مرکزی حزب برگزیده شد و در دیماه ۱۳۵۷ بعنوان دبیر اول کمیته مرکزی حزب انتخاب گردید و این انتخاب در پلنوم شانزدهم با اتفاق آراء مورد تأیید قرار گرفت.

رفیق کیا نوری به داشتن اراده سرسخت در نبرد و اصولیت و فداکاری موصوف است و مورد احترام و اعتماد همه کسانی است که به سرشت انقلابی و انسانی او واقفند.



۴۴  
سال  
فعالیت  
سیاسی  
توأم با  
زندان و  
مهاجرت

رفیق نورالدین کیا نوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، از جانب حزب، نامزد نمایندگی مجلس بررسی نهائی پیش نویس قانون اساسی از تهران است. رفیق نورالدین کیا نوری از مبارزان پیگیر و آزموده است که در دامن حزب توده ایران پرورش یافته و بر پایه لیاقت و آگاهی و فعالیت خستگی ناپذیر سیاسی خود، به مقام عالی دبیر اول کمیته مرکزی حزب انتخاب شده است.

اولین تماس رفیق کیا نوری با جریان سیاسی انقلابی، در سال ۱۳۱۴، با گروه جوانان همکار دکتر ارانی و اولین فعالیت سیاسی وی، شرکت فعال در اعتصاب دانشکده فنی بود. رفیق کیا نوری، در ۱۳۱۴، برای ادامه تحصیل به آلمان رفت و در آنجا، در ارتباط با گروه های مخفی انقلابی، آموزش یافت و در جریان همین فعالیت، گزارشهایی علیه او به پلیس رضاخان در تهران رسید. رفیق کیا نوری پس از خاتمه تحصیل (دکتر مهندس معماری) در سال ۱۳۱۹ به ایران بازگشت و به خدمت وظیفه رفت. وی ابتدا، مانند همه مشمولین داری تحصیلات عالی، به دانشکده افسری فرستاده شد، ولی پس از دو ماه، بر اثر اقدام رسمی شهر بانی مختاری و حکم رسمی ستاد ارتش، بعنوان عدم صلاحیت سیاسی، از دانشکده افسری احتیاط اخراج و بعنوان سرباز ساده، برای خدمت به واحد باغشاه اعزام گردید.

رفیق کیا نوری، در آذرماه ۱۳۲۰، با اعتراض به این حکم غیر قانونی، از خدمت معاف گردید و در اردیبهشت ۱۳۲۱ عضو حزب توده ایران شد، عرصه فعالیت او در آغاز ویژه در میان دانشکاهیان بود.

# نامزدهای حزب توده ایران برای مجلس خبرگان

بقیه از صفحه قبل

دوم به عضویت هیئت اجراییه (هیئت سیاسی) برگزیده شد و تاکنون در این مسئولیتهای خطیر حزبی با شایستگی فراوان وظایف خود را انجام داده و در تدوین و تدقیق مشی حزب، در تدارک و تنظیم برنامه‌های حزب، در مدیریت روزنامه‌ها و مجلات حزبی، در سنگرمبارزات تبلیغاتی و ترویجی و آموزش حزبی، چه زمان علنی بودن حزب، چه بهنگام مبارزه مخفی و چه در دوران مهاجرت اجباری، نقش بسیار حساس و مهمی داشته است. رفیق طبری که بر اثر تعقیب عمال رژیم شاه مخلوع غیاباً به اعدام محکوم شده بود، با اجازه و دستور رهبری به مهاجرت سیاسی رفت و به برکت انقلاب بزرگ مردم ایران به میهن بازگشت.

رفیق طبری دارای درجه دکترای فلسفه است و هم اکنون یکی از برجسته‌ترین جامعه‌شناسان، فیلسوفان، ادبا و شعرا، پژوهشگران و منتقدان کشور ما بشمار میرود، که در زمینه‌های مختلف اجتماعی شناخت گسترده و ژرفی از سایر کشورهای جهان نیز دارد.

رفیق طبری یکی از باسابقه‌ترین روزنامه‌نگاران کشور ما است، که مسئولیتهای مهمی در مطبوعات مسداشته و نوشته‌هایش در سایر جراید و مجلات بکرات چاپ شده است. داستانها، اشعار، نقدهای ادبی و هنری، تحقیقات سیاسی، تاریخی، فلسفی، اجتماعی و پژوهشهای لنوی و زبانی‌اش در گنجینه فرهنگ ایران جای دارد.

رفیق احسان طبری با دید وسیع و آگاهی عمیق خود و با تجربه سیاسی و مبارزاتی طولانی خویش، به پشتوانه یک زندگی سیاسی سراسر نبرد علیه امپریالیسم، ارتجاع، سلطنت پهلوی، بخاطر سعادت مردم و استقلال و آزادی کشور، میتواند مدافع شایسته نظریات حزب ما و منافع همه زحمتکشان و ترقیخواهان در مجلس بررسی نهائی قانون اساسی باشد.



چهره  
محبوب  
آذر-  
بایجان

رفیق انوشیروان ابراهیمی، عضو هیئت سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب توده ایران، از جانب حزب ما نامزد نمایندگی در مجلس بررسی نهائی پیش‌نویس قانون اساسی از آذربایجان است.

رفیق ابراهیمی در ۷ خرداد ۱۳۰۶ در آستارا متولد شد. پدرش، غنی ابراهیمی، از جانب رژیم رضاخان بجرم فعالیت‌های کمونیستی دستگیر و بمدت ۳ سال در زندان قصر به‌زنجیر کشیده شد، وی سپس به‌نهاروند تبعید گردید. رفیق انوشیروان با تفاق مادر، در تبعیدگاه به پدر پیوست و ضمن تحصیل از پدر درس مبارزه می‌آموخت.

رفیق انوشیروان از رزمندگان است که عشق وی نسبت به زحمتکشان و شور میهن دوستی‌اش، با «شیراندوز» شده است. وی که «نشان ازبید» داده، در سال ۱۳۲۴ به عضویت سازمان جوانان حزب توده ایران در آمد. او با آذربایجان بازگشت و در جنبش دموکراتیک خلق آذربایجان برای خود مختاری در چارچوب ایرانی واحد و مستقل ورها از جنگ امپریالیسم، شرکت فعال داشت. رفیق ابراهیمی در سال ۱۳۲۵ به عضویت فرقه دموکرات آذربایجان درآمد و پس از سرکوب خونین جنبش، مجبور به مهاجرت سیاسی شد، در مهاجرت سیاسی، رفیق انوشیروان ابراهیمی به تکمیل دانش خود در رشته‌های زبان و علوم اجتماعی پرداخت.

در سالهای ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۱، وی ضمن مطالعات کلاسیک در رشته علوم اجتماعی، رساله‌ای تحت عنوان «مبارزه حزب توده ایران علیه ارتجاع در چارچوب فعالیت حزب در مجلس چهاردهم» نوشت و به اخذ درجه دکترا نائل گردید.

رفیق انوشیروان ابراهیمی ضمن تعمیق و گسترش دانش اجتماعی-سیاسی خود، در میدان عمل نیز سخت کوش و فعال به مبارزه ادامه داد. در نتیجه در سال ۱۳۳۵ به عضویت کمیته مرکزی فرقه دموکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران در آذربایجان انتخاب شد و در سال ۱۳۳۶ به مقام عضویت هیئت اجراییه کمیته مرکزی فرقه دموکرات ارتقاء یافت و در سال ۱۳۴۸ به معاونت صدر کمیته مرکزی فرقه دموکرات برگزیده شد.

رفیق ابراهیمی در عمل دانش سیاسی را با کاردانی در مبارزه بنحو برجسته نشان داد، چنانکه در پلنوم یازدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران به عضویت کمیته مرکزی و سپس در پلنوم شانزدهم کمیته مرکزی به عضویت هیئت سیاسی و به مقام یکی از دبیران حزب برگزیده شد.

رفیق انوشیروان ابراهیمی، که چهره محبوب و شناخته‌ای در آذربایجان است، اکنون مسئول فرقه دموکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران در آذربایجان است و با تمام وجود در راه تعمیق انقلاب پیروزمند خلق‌های ایران، در راه گسترش فعالیت انقلابی حزب توده ایران مبارزه میکند.



۴۰ سال  
تجربه  
غنی  
سیاسی  
و  
اجتماعی

رفیق حسین جودت، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، از جانب حزب ما نامزد نمایندگی در مجلس بررسی نهائی پیش‌نویس قانون اساسی از آذربایجان است.

نام رفیق جودت، با فعالیت نزدیک به ۴۰ ساله سیاسی و سندیکائی، دانشگاهی، نام شناخته شده‌ای در جامعه ما است.

رفیق جودت بسال ۱۲۸۷، در تبریز، متولد شد و تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در همین شهر پایان رسانید. وی سپس در رشته فیزیک و شیمی از دانشسرای عالی، در سال ۱۳۱۱، فارغ‌التحصیل شد. رفیق جودت در همین سال از طرف دولت برای ادامه تحصیل به فرانسه اعزام شد و در سال ۱۳۱۲، بدریافت دیپلم لیسانس دولتی در رشته فیزیک و در سال ۱۳۱۶ بدریافت دیپلم دکترای دولتی در علوم فیزیک از دانشگاه سوربن پاریس نائل گردید. وی در تابستان ۱۳۱۶ به ایران مراجعت کرد و تا بهمن ماه ۱۳۲۷، با سمت استاد فیزیک در دانشکده فنی دانشگاه تهران، به تدریس پرداخت. وی از سال ۱۳۲۴ تا بهمن ماه ۱۳۲۷، بعنوان نماینده شورای استادان دانشکده فنی، در شورای دانشگاه تهران عضویت داشته است.

رفیق حسین جودت در اردیبهشت ماه ۱۳۲۲ به عضویت حزب توده ایران درآمد و فعالانه در کارهای سیاسی شرکت جست. وی در کنگره اول حزب به عضویت تفتیش کل و در کنگره دوم به عضویت کمیته مرکزی و هیئت اجراییه (هیئت سیاسی) کمیته مرکزی حزب انتخاب شد و اینک نیز عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران است. وی در زمینه‌های مختلف فعالیت‌های سیاسی حزب ما شرکت داشته است.

رفیق حسین جودت از سال ۱۳۲۳ به فعالیت‌های سندیکائی گسترده‌ای پرداخت و منجمله در شورای متحده مرکزی اتحادیه‌های کارگران و زحمتکشان ایران، با سمت دبیر شورای مرکزی، فعالیت داشته است. کارگران ایران در نقاط مختلف کشور، و منجمله در آذربایجان، با کوشش‌های همه جانبه وی در جهت دفاع از منافع طبقاتی خویش آشنا هستند.

رفیق جودت در روز ۱۶ بهمن ماه ۱۳۲۷، هنگامیکه عازم دانشگاه بود، بازداشت و در دادگاه غیر قانونی حکومت نظامی محاکمه و زندانی شد و وی در این دادگاه، مانند سایر رهبران حزب، مجدانسه از حزب و سیاست آن دفاع کرد. رفیق جودت در زمستان ۱۳۲۸ بزندان کاشان تبعید گشت و در شهریور ماه ۱۳۲۹ دو باره بزندان قصر تهران منتقل گردید و در آذرماه همان سال، به‌همراه رفیق شهید روزبه و ۸ تن دیگر اعضاء کمیته مرکزی حزب توده ایران، یکمک سازمان نظامی حزب از زندان فرار داده شد و تا بهمن ماه ۱۳۳۴، در شرایط مخفی، در تهران فعالیت کرد و وی بعد از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد، از طرف دادگاه نظامی بطور غیابی به اعدام محکوم شد.

رفیق جودت در بهمن ماه ۱۳۳۴، طبق دستور کمیته مرکزی، از ایران خارج شد و تا فروردین ماه ۱۳۵۸ در مهاجرت سیاسی بسر برد. وی در مهاجرت سیاسی نیز در اقدامات سیاسی، سازمانی و تبلیغاتی حزب شرکت فعال داشت. رفیق جودت پس از پیروزی انقلاب و فراهم شدن شرایط بازگشت، طبق دستور کمیته مرکزی، برای ادامه فعالیت در صفوف حزب توده ایران به ایران مراجعت کرد و مانند همیشه تمام نیروی خود را در خدمت حزب گذاشت. رفیق جودت در صحنه بین‌المللی نیز دارای اطلاعات و تجربیه بسیاری است و شرکت وی در کنگره‌ها و مجامع مختلف جهانی، آگاهیهای فراوانی در اختیارش گذاشته است.

رفیق حسین جودت، با سابقه و تجربه غنی سیاسی، سندیکائی، دانشگاهی و اجتماعی خود و با آشنائی با شرایط مشخص زادگاه خود آذربایجان، میتواند با شایستگی وظیفه نمایندگی در مجلس بررسی نهائی قانون اساسی را بانجام رساند.



مبارز  
سرسخت  
پرورده  
خطه  
خراسان

رفیق علی خاوری، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، از جانب حزب ما نامزد نمایندگی در مجلس بررسی نهائی پیش‌نویس قانون اساسی از خراسان است.

رفیق علی خاوری رجل سیاسی پر تجربه و مبارز سرسختی است که نه فقط در ایران، بلکه در محافل مترقی کشور های مختلف جهان شناخته شده است، رزمنده‌ای است که ضربه‌ای سهمگین بر بیدادگاه نظامی شاه مخلوع وارد ساخت و زندانها و تبعیدگاههای ساواک را به بهای تحمل شدائد بسیار فتح کرد. او از میان مردم برخاسته و همواره مدافع آنها بوده و منافع همین زحمتکشان اساسی‌ترین ملاک عملش بوده است. رفیق علی خاوری، در سال ۱۳۰۲، متولد شد و از سال ۱۳۲۰، یعنی بمحض تأسیس حزب توده ایران، به عضویت آن درآمد، او از آغاز جوانی به فعالیت سیاسی ترقیخواهانه، میهن‌دوستانه و آزادیخواهانه پرداخت. وی در سالهای ۱۳۲۳-۱۳۲۴ در مشهد و سایر شهرهای خراسان فعالیت‌های حزبی و کار سازماندهی نبرد توده‌های زحمتکش پرداخت و در ضمن توانست دانشسرای مقدماتی را بیسایان رساند و در امور آموزشی فعالیت‌های پر ثمری برداند. فعالیت‌های وی در سازمان جوانان مشهد و همچنین در کمیته ولایتی سبزوار و قوچان، مکتب مهم تربیت حزبی و سیاسی او بود.

رفیق خاوری، پس از آنکه ناچار به مهاجرت سیاسی شد، ضمن ادامه فعالیت‌های سیاسی، در رشته‌های تاریخ و ادبیات فارغ‌التحصیل شد و بکار آموزش پرداخت.

در سال ۱۳۴۳، هنگامیکه حزب توده ایران لازم دید برای احیای فعالیت‌های سازمانی، کادرهایی را از مهاجرت بایران بازگرداند، رفیق علی خاوری بلافاصله، با آنکه چند ماهی بیشتر به دفاع از رساله دکترایش باقی نمانده بود، همراه با هم‌رزم بزرگش، رفیق شهید پرویز حکمت‌جو، به میهن بازگشت تا در سخت‌ترین شرایط کاربندی، با آرمانهای حزبی خود در راه استقلال و آزادی کشور و سعادت و بهروزی مردم، در راه سرنگونی رژیم دست‌نشانده و فاسد پهلوی، جامه عمل بپوشاند.

رفیق خاوری در جریان فعالیت‌های مخفی دستگیر شد. وی در بیدادگاه نظامی شاه مخلوع یکی دیگر از مهم‌ترین اسناد دفاع توده‌ای‌ها را در برابر سلطه نواستعمار و استبداد سلطنتی، در دفاع از آرمانهای تانناک حزب توده ایران و اهداف غائی و فوری آن بوجود آورد. بدستور شاه خانی ساواک او را دوبار محکوم با اعدام کردند و تنها زیر فشار افکار عمومی ایران و جهان و کارزار وسیع دفاعی که با ابتکار حزب توده ایران در بین تمام محافل مترقی جهان سازمان داده شد، رژیم ناچار به عقب‌نشینی گردید و حکم به حبس ابد تبدیل شد.

از آن موقع، برای رفیق خاوری، چهارده سال دوران تحمل شرایط زندانهای قزل‌قلعه، قصر، زاهدان، بندرعباس، شیراز، اصفهان، قزوین، که تبعید در زندانهای هولناک جنوب ۷ سال آنرا در بر میگیرد، آغاز گردید، تا اینکه به یمن انقلاب بزرگ خلق ما، در سی‌ام آبان ماه سال ۵۷، آزاد شد.

شرایط دشوار زندان از نظر جسمی لطمات زیاد بر رفیق خاوری وارد ساخت، ولی روح مقاوم و اراده‌ی استوار وی نه تنها خورد نشد، بلکه هر چه محکمتر و قاطعتر و آبدیده‌تر شد و این امری است که در فعالیت‌های پرشوری، پس از انقلاب، در رهبری حزب و کار سازمانی و تبلیغاتی بخوبی دیده میشود.

رفیق علی خاوری، پرورده خطه خراسان، مبارزی است که از محک سخت‌ترین تجربه‌ها سر بلند بیرون آمده و خدمتگزاری خود را به میهن و مردم در عمل ثابت کرده است.

# نامزدهای حزب توده ایران برای مجلس خبرگان

**مظهر مقاومت خلق ۲۵ سال زندان**



رفیق محمدعلی عمونی، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، از طرف حزب ما نامزد نمایندگی در مجلس بررسی نهایی پیش نویس قانون اساسی از تهران است.

رفیق عمونی را همه کسانی که در ۲۵ سال اخیر بر اثر مبارزه ضد امپریالیستی و ضد استبداد سلطنتی زندان افتاده اند و سازمانهای آنان بخوبی میشناسند و با او، مظهری از مقاومت خلق مبارز در برابر انواع فشارها و شکنجهها و سالیهای دراز زندان، ارج مینهند.

رفیق عمونی در سال ۱۳۰۳ در کرمانشاه متولد شد و تحصیلات ابتدائی را در همان شهر و تحصیلات متوسطه را در تهران به پایان رسانید. او در سال ۱۳۲۶ وارد دانشکده افسری شد و در سال ۲۸ از آن فارغ التحصیل گردید. اما فعالیت سیاسی رفیق عمونی از سال ۱۳۲۴، از همان شهر کرمانشاه شروع شده بود و در هنگامیکه افسر شد، صاحب سابقه و تجربه سیاسی جدی بود. در صفوف حزب توده ایران (سازمان نظامی) رفیق عمونی تربیت سیاسی و اجتماعی خود را کاملتر کرد و شخصیت خود را بعنوان مدافع صدیق و متبازر منافع زحمتکشان و استقلال و آزادی میهن پرورش داد.

دوستان رفیق عمونی میدانند که در دوران ظاهر جدی، چه روح و احساس و عاطفی نهفته است که با عشق به محرومان و آرزوی سعادت آنان میپلید. بقول یکی از همزمان نزدیکش، عالیتترین خصوصیات اخلاقی رفیق عمونی بویژه در زندان، در زیر شکنجههای مهیب جسمی و روانی، در برابر ایداه مداوم جلادان، در مقابل حملات ناجوانمردانه نیمه راهان و زنده بی تجربگان شتاب زده و در میدان نبرد، سخت عقیدتی در شرایطی نامساعد بروز کرد.

رفیق عمونی در زندان به مظهر روش اصولی توده ای و سیاست درست توده ای بدل شد. او توانست نام حزب خود را بلند آوازه نگه دارد و احترام و علاقه بسیاری از زندانیان سیاسی را، اعم از روحانی و مجاهد و چریک و آزادیخواه، نسبت به خود، به حزب و آرمانهایی که چنین انسانهای والا و آزاده ای را پروراندند، است، جلب کند. این تجربه ای سخت و طولانی بود. ۲۵ سال تمام در سیاه چالهای شاه خائن و ساواک جنایتکار از سال ۳۳ که بدنبال کشف شبکه سازمان نظامی حزب توده ایران، رفیق عمونی دستگیر میشود، از زندانهای قصر و «کمیته» و شیراز و برانجان، با شرایط غیر انسانی آن میگذرد تا آن ۵۷ که بدنبال موج انقلابی جنبش شکوهمند خلق و در آستانه پیروزی انقلاب، درهای زندانها بروی زندانیان سیاسی گشوده میشود و رفیق عمونی نیز آزادی خویش را همراه با ملت تشنه استقلال و آزادی باز میابد. از آن زمان ماهها پیش نگذشته، که هر روز و هفته آن، شاهد فعالیت جوشان و پرثمر تشکیلاتی و تبلیغاتی رفیق محمد علی عمونی در مسوولیت خطیر حزبی او در تهران و شهرستانها، در میتینگها و اجتماعات و در میان کادرها و مردم بوده است.

رفیق عمونی با پشتوانه تجربه بزرگ سیاسی و آگاهی اجتماعی اش، با آشتی ناپذیری اش در نبرد علیه امپریالیسم و استبداد، با وفاداری اش برای خلق، مورد اعتماد و احترام خلق و حزب طبقه کارگر است.



**فواد آبدیده در بوته آزمایش ۲۵ ساله**

رفیق عباس حجری، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، از جانب حزب ما نامزد نمایندگی در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی از تهران است. رفیق حجری با سرمایه عظیم تجربه سیاسی و نبرد آشتی ناپذیر خود علیه نظام سلطنتی وابسته، علیه امپریالیسم، علیه استبداد، یکی از شخصیتهای خلقی و سیاسی میهن ماست.

رفیق حجری بسال ۱۳۰۱ در مشهد متولد شده و تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در همین شهر تمام کرده است. وی در سال ۱۳۲۱ وارد دانشکده افسری شد و در سال ۱۳۲۳ از آن فارغ التحصیل گردید.

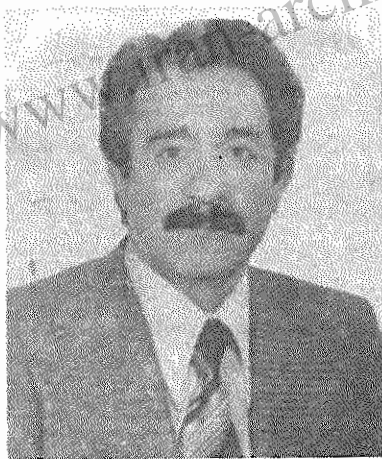
رفیق عباس حجری که در دوران ارتش، از نزدیک به نقش شوم رژیم شاه مخلوع و وسعت و دامنه حق کشیها و بیعدالتیها بی برده بود، راه راستین خدمت به میهن و سه خلق خود را در مبارزه علیه آن رژیم، در پیوستگی به صف متشکل زحمتکشان آگاه یافت. او در سال ۱۳۲۴ به عضویت حزب توده ایران (سازمان نظامی) درآمد. سالهای خدمت افسری او بمدت ده سال، که بترتیب سه سال در مشهد و شش سال در سیستان و بلوچستان و یک سال در کرمان گذشت، سهمی واقعی زندگی فلاکتبار مردم ایران و عقب ماندگی و وحشتناک کشورما را، که مسبب آن سلطه امپریالیسم و حکومت جبار شاه بود، بوی نشان داد. عزم جزم رفیق حجری در خدمت به توده های محروم در این سالها صیقل یافت و راسخ تر شد.

او در این سالها عشق بیکران نسبت به توده محروم را با احساس عاطفی فراوانی که از ورای ظاهر جدی و خوددار وی ابتدا بچشم نمیآید، در قلب خود پروراند. در سالهای بعد، او با همان شدت و زرقا، نفرت به استبداد سلطنتی و کینه نسبت به نواستعمار و عمال فاسد و چپاولگر داخلی آنرا، طی ۲۵ سال که در زندانهای شاه گذراند، در قلب خود جای داد. رفیق حجری بعلت مبارزه خود و تعلقش به حزب توده ایران، در شهریور ۱۳۳۳، پس از کشف شبکه نظامی دستگیر و به حبس ابد محکوم شد.

سالهای زندان، سالهای حماسه آفرین مقاومت و استواری، ادامه نبرد در شرایط بسیار دشوار و مقابله با انواع نظریات انحرافی بود. رفیق حجری از بسوته این آزمایش ۲۵ ساله شکنجه گاهها و سیه چالهای ساواک سربلند و پرافتخار بیرون آمد. وی این سالها را در زندانهای کرمان، و سیرجان و قصر و برانجان و تهران و شیراز گذراند و همه این قلاع استبداد را به دژ پایداری، به مکتب آموزش و تربیت سیاسی بدل کرد.

انقلاب شکوهمند ایران، هنگامیکه ضربات کاری را بر رژیم منحوس وارد میساخت، در پائین سال ۱۳۵۷، این زندانی سیاسی پرافتخار، محکوم به حبس ابد توسط ساواک شاه را، از زندان آزاد نمود.

اکنون، با کوله بار گرانهای سابقه مبارزاتی و تجربه سیاسی و پختگی و متانت و آبدیگی، که ویژه رفیق عباس حجری است، وی مانند همیشه آماده خدمت خلق است.



**سازمان دهنده مقاومت زندانیان در ۲۵ سال زندان**

رفیق رضا شلتوکی، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، از جانب حزب ما نامزد نمایندگی در مجلس بررسی نهایی پیش نویس قانون اساسی از کرمانشاه است. رفیق شلتوکی در سال ۱۳۰۵ در کرمانشاه متولد شد. تحصیلات ابتدائی و بخشی از متوسطه را در کرمانشاه گذراند و در تمام این مدت و پس از آن نیز در کنار خلق کرد بوده و با تمام مسائل و خواستهای حیاتی و حقه اش از نزدیک آشنا شد. وی در سال ۱۳۲۹ در تهران تحصیلات متوسطه را تمام کرد و در سال ۱۳۳۲ فارغ التحصیل دانشکده نیروی هوایی شد. رفیق شلتوکی برای پیمودن مدارج ترقی و دست یافتن به یک زندگی مرفه فردی وارد ارتش نشده بود. آرمانهای بزرگی مغز و قلب او را تسخیر کرده بود. وی از سال ۱۳۲۴ مبارزه سیاسی را در صفوف حزب توده ایران آغاز کرد و برای حل مشکلات توده مردم زحمتکش سراسر میهن خود و حل مسائل ملی خلق کرد، بدرستی راه راستین را یافت.

رفیق شلتوکی، که راه بیکار قطعی را از سازمان جوانان حزب توده ایران آغاز کرده بود، پس از اخذ درجه افسری در سازمان نظامی حزب توده ایران به فعالیت خود ادامه داد. وی در شهریور ۱۳۳۳، بدنبال کشف شبکه این سازمان، زندانی شد و از آن وقت، دوران ۲۵ ساله ای آغاز شد که طی آن، رفیق شلتوکی خصائل عالی حزبی و انسانی و سیاسی و سازماندهی خود را ظاهر ساخت. جلادان شاه مخلوع نتوانستند او را بزناور آورند. برعکس، او بود که تمام شرایط مهیب تحمیلی را در برابر اراده خویش درهم شکست و سازمان دهنده مقاومت جمعی زندانیان سیاسی و مریب نسل جوان مبارز شد.

رفتار رفیق رضا شلتوکی نمونه باوری از رفتار یک مبارز آگاه و بی گور است در زندان و در مقابل با سخت ترین شرایط، چه از نظر محیط شکنجه و آزار از جانب زندانیان و چه از نظر جو ایدئولوژیک ناسالی که گاه حاکم میشد. نام

او نه فقط در دفتر نبرد سیاسی، بلکه در آثار ادبی درج است. تبعید در برانجان و سالهای زندان در اوین و قصر و مشهد و برانجان و همچنین شکنجه گاه «کمیته»، هم او را آبدیده و مجرب کرد و هم عده زیادی از جوانان را در مکتب او، که مکتب حزب توده ایران، مکتب نبرد بی گور ضد امپریالیستی و آزادیخواهانه است، پرورش داد.

رفیق شلتوکی با لبخند گرم و خوش بینی ژرف خود، با فروتنی ویژه و قدرت نستوه خود، محبت و احترام همگان را نسبت بخود جلب کرده است. برای او تمام این سالهای افتخار آفرین و حماسه های فراوان نشانی، مسائلی است کاملاً عادی، که هر توده ای، هر مبارزی، بنحوی کاملاً بدیهی میبایست و میتوانست انجام دهد.

در آبانماه ۵۷، نبرد دلیرانه خلق ما، که میرفت به پیروزی نزدیک شود، درهای زندان را بسوی زندانیان سیاسی گشود و رفیق شلتوکی نیز بآغوش مردم میهن خود بازگشت و یکسره و با تمام جان و دل، در مسوولیت خطیر عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، بکار سازماندهی و احیای تشکیلات حزب پرداخت. تجربه غنی سیاسی و عملی رفیق رضا شلتوکی، آشنائی او با نسلهای مختلف و گرایشهای مختلف زندانیان سیاسی، آگاهی او بر مسائل و خواستهای خلق کرد و همه مردم زحمتکش ایران برای حزب و برای خلق گرانها است.



**۲۵ سال استقامت و مصاف ایدئولوژیک در زندان**

رفیق ابوتراب باقرزاده، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، از جانب حزب ما نامزد نمایندگی در مجلس بررسی نهایی پیش نویس قانون اساسی از مازندران است.

از روستای «چهره»، زادگاه رفیق باقرزاده، تا نامزدی شرکت در مجلس خبرگان، راهی است طولانی، که تنها با تکیه به اراده ای قوی، عقیده ای تزلزل ناپذیر و خصائل اخلاقی برجسته ای پیموده شده است، راهی که در آن حکم اعدام و سپس ۲۵ سال تمام زندان در سیه چالهای رژیم شاه مخلوع نیز وجود داشت.

رفیق ابوتراب باقرزاده، در چهاردهم آذرماه ۱۳۰۹، در روستای چهره، از بلوک بابل کنار، در مازندران، در یک خانواده روستائی تولد یافت و دوران کودکی را در همین روستا گذراند و دبستان را نیز در ده درازکلا و سال آخر آنرا در دبستان گنج افروز شیرگاه به پایان رساند. او در تمام این مدت از نزدیک با زندگی و شرایط کار و خواستهای دهقانان مازندرانی آشنا بود و در آن محیط بزرگ شد. رفیق باقرزاده در سال ۱۳۲۳ به بابل رفت تا دبیرستان را بخواند و تا سال ۱۳۲۹ در همین جا درس میخواند و ضمناً شاهد اوج گیری مبارزات مردم و نبرد ضد استعماری و ضد استبدادی خلق ما بود و از همان موقع با تمام قلب و اندیشه خود باین نبرد عظیم پیوست.

رفیق باقرزاده پس از ورود بدانشکده شهر بانی، در سال ۱۳۳۰، به عضویت در حزب توده ایران (سازمان نظامی)، درآمد. وی هنگامیکه در سال ۱۳۳۱ از دانشکده افسری شهر بانی فارغ التحصیل گردید، وارد دانشکده حقوق شد.

رفیق باقرزاده ابتدا در کلاسهای تهران خدمت میکرد و بعد بزندان قصر منتقل شد و تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نگهبان دارالتأدیب بود. پس از کودتا رژیم او را مظنون به فعالیت سیاسی تشخیص داد، ولی چون سند و مدرکی نداشت، به بندر عباس تبعید کرد. بعد از کشف شدن شبکه سازمان نظامی حزب توده ایران، رفیق باقرزاده، بعلت عضویت در سازمان و به اتهام فعالیت بخاطر سرنگونی رژیم، دستگیر شد. او هم مانند عده ای دیگر از رفقای همزمش به اعدام محکوم شد. در این دوران او روزها و هفته های دشواری را گذراند، زیرا شاهد تیرباران جمعی از بهترین رفقا و دوستانش بود؛ روزها و هفته هایی که از شکنجه های مستقیم که بخود او وارد میشد، بسیار دشوارتر گذشته است. سرانجام پس از یکسال، حکم اعدام به محکومیت ابد تبدیل شد. تنها انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی و دموکراتیک مردم ایران بود که میتواند، در همان امواج کوبنده پیش از پیروزی نهائی اش، در آبانماه ۵۷، درهای زندانها را بگشاید و رفیق ابوتراب باقرزاده را، پس از ربع قرن زندانی بودن در سیه چالهای رژیم سلطنتی، آزاد سازد.

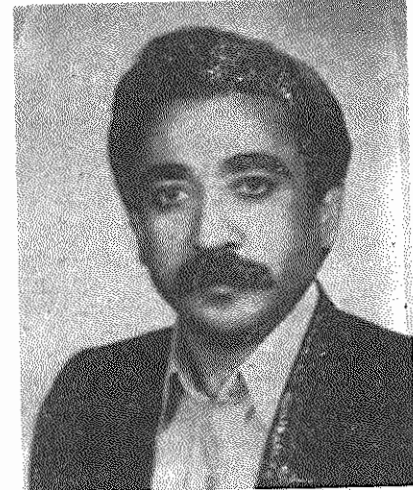
رفیق باقرزاده این مدت را در زندانهای قصر، برانجان،

# نامزدهای حزب توده ایران برای مجلس خبرگان

بقیه از صفحه قبل

مشهد و اوین بسر برده است. این ۲۵ سال، سالهای نبرد دشوار، ولی قطع نشدنی، سالهای استقامت و مردانگی، سالهای آموختن و بدیگریان آموختن بود. رفیق باقرزاده تمام این زندانها را به سحنه مبارزه بدل کرد، خودش آبدیده تر و پخته تر شد، دهها جوان پرشور، ولی بی تجربه را تربیت کرد و راه درست و پرثمر مبارزه را به آنها آموخت، در مصافهای ایدئولوژیک درون زندان فلالانه شرکت کرد. همه اینها در شرایط شکنجههای مداوم، آزار و اذیت، تبعیضها و زورگویی، در شرایطی که تنها اراده پولادین و عشقی بیسکران بخلاق زحمتکش قادر بود در آن تاب بیاورد و پیروز شود.

علیرغم تمام دشواری زندانها و شکنجه گاههای مهیب رژیم شاه مخلوع، رفیق باقرزاده هرگز شوخ طبعی و بذله گوئی خویش را، که همواره از همان دهات مازندران با خود داشت، ترک نکرد. بگفته هم نچیرانش، «رفیق روزسخنی و فشار، فرزند صادق طبیعت بی غل و غش» بود و باقی ماند. این صفات، همراه با ذوق هنری و ادبی اش (منجمله در شرایط زندان چندین رمان را بفارسی برگردانده است) سیمای اخلاقی این انسان محبوب و پرکار، این مبارز سرسخت و تسلیم ناپذیر، این دهقان زاده مازندرانی و افسر سابق، این زندانی سیاسی ۲۵ ساله و عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران را میسازد.



کارگری مبارز پرورده مکتب طبقه کارگر و حزبش

رفیق آصف رزم دیده، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، کارگر برق و تاسیسات، زندانی سیاسی رژیم شاه مخلوع، از جانب حزب ما برای شرکت در مجلس بررسی نهائی پیش نویس قانون اساسی از تهران نامزد شده است.

این کارگر مبارز جوان، این توده ای مقاوم و دلیر میتواند بیاتر صدیق خواستهای طبقه کارگر کشور ما باشد، زیرا از نزدیک با مسائل و مشکلات و مطالبات کارگران آشناست و هم اکنون نیز در این زمینه فعالیت پروری را انجام میدهد.

رفیق آصف رزم دیده، در سال ۱۳۱۹، در اردبیل، در یک خانواده کارگری متولد شد و کودک شیرخوار بود که پدرش را از دست داد. همانطور که در زندگی زحمتکشانه میهن ما همواره رخ میدهد، بارسنگین اداره خانواده بدوش مادر افتاد، که با خیاطی چرخ معاش روزانه را میکشاند. رفیق آصف سپس به تهران آمد و در مؤسسات فنی بیکار مشغول شد.

در میان طبقه کارگر ایران بود که رفیق آصف رزم دیده به مبارزی آبدیده بدل شد. از آنوقت که یکی از کارگران حزب آصف را، که کارگر نوجوانی بود، بفروش روزنامه مردم، در خیابان اسلامبول وسعدی دعوت کرد تا امروز که وی عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران است، او راه درازی را در نبردهای خیا بانی، در تظاهرات عمومی، در جایگاه مخفی حزب، در زندانهای شاه خائن و در شکنجه گاه ساواک گذرانده است.

در سالهای سیاه پس از کودتا، رفیق آصف مسئولیت رابط خانواده های زندانیان سیاسی را به عهده داشت. در آن سالهای بسیار دشوار، وی با محفل کوچکی از توده ایها بکار سازماندهی حزبی ادامه داد و در جریان این فعالیت، در سال ۱۳۳۷ دستگیر شد. وی پس از آزادی از زندان، باز بعزت نوشتن مقاله ای، تحت پیکرد قرار گرفت و لذا مخفی شد، ولی سرانجام در سال ۱۳۴۰ توسط ساواک شناسایی و دستگیر شد.

رفیق آصف مدتی بخاطر فعالیت در حزب توده ایران زیر شکنجه دژخیمانی چون زیبایی و سیاحت گروشمبانی قرار داشت، ولی چون ساواک مدرکی نداشت، وی را بقید ضمانت که از حوزه قضائی تهران خارج نشود، آزاد کرد.

رفیق آصف دوباره به کارخانه، به سرچشمه فیاضی که همواره از آن آموخته بود و بدان دل بسته بود، بازگشت و در همان رشته برق و تاسیسات مشغول کار شد.

از سال ۱۳۴۱ با بدیگری فعالیت پرشور وی که در سیاسی و حزبی رفیق آصف رزم دیده، همراه با کار در کارخانه آغاز شد. وی در جایگاه مخفی حزب کار میکرد و یکدم از نبرد علیه امپریالیسم و رژیم شاه مخلوع غافل نمیشد. دستگیری دوباره او، محاکمه و زندانی شدنش، همزمان با شناخته شدن او در سطح کشور و جهان است. حزب ما در دفاع از او و

همرزمش صابر محمدزاده، کارگری که او نیز نامزد نمایندگی برای مجلس خبرگان از جانب حزب ماست، کارزار وسیعی را ترتیب داد. وی ۶ سال محکومیت اولیه را در قزل قلعه و برانجان و اهواز و شیراز گذراند. در همین دوران بود که وی به عالی ترین ارگان رهبری حزب برگزیده شد. یکروز پیش از اتمام دوره «محکومیت»، ساواکیها او را از زندان شیراز به «کمیته» معروف تهران و سپس به زندان قزل قلعه و اوین بردند.

رفیق آصف ۴۱ ماه در سلولهای انفرادی اوین زیر بازجویی شکنجه گران بود. هفت سال اجازه ملاقات با خانواده خود را نداشت. سرانجام بعزت پایداری در عقاید سیاسی خود، در زندان به ۱۲ سال دیگر محکوم شد. اما اراده خلق قهرمان، به یمن انقلاب بزرگی که در شرف تکوین بود، در آذر ماه سال ۵۷ او را، همراه سایر زندانیان سیاسی، از زندان رها ساخت.

آصف رزم دیده به میان زحمتکشان بازگشت و بلافاصله کار و فعالیت خستگی ناپذیر و مداومی را در میان کارگران، بخاطر ریشه کن ساختن سلطه امپریالیسم و زدودن تمام بقایای رژیم فاسد محمدرضاشاهی و تحکیم دستاوردهای انقلاب آغاز کرد.

آصف رزم دیده عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران کارگری که در مکتب طبقه کارگر و حزبش، حزب توده ایران رشد کرده و با این طبقه و در این طبقه زندگی کرده و مستقیماً با مسائل و خواستهای زحمتکشان میهن ما آشناست، میتواند با شایستگی وظیفه شرکت در مجلس بررسی نهائی پیش نویس قانون اساسی را انجام دهد.



کارگری رزمنده، نمونه صداقت و ایمان

رفیق صابر محمدزاده، کارگر تراشکار، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، نامزد حزب ما برای شرکت در مجلس بررسی نهائی قانون اساسی از تهران است. رفیق صابر نمونه صداقت و ایمان نسبت به طبقه خود و حزب طبقه است و در این مکتب پرورش یافته و به یک شخصیت سیاسی و اجتماعی بدل گردیده است.

صابر محمدزاده، در ۱۳۱۴، در نوشهر متولد شد. پدرش ابوالفضل نیز کارگری بود و او در محیط کارگری رشد یافت. از او ان طفولیت با خانواده به تهران آمد و با تحمل سختیهای ناشی از شرایط زندگی زحمتکشان، توانست تا پنجم متوسطه درس بخواند. وی از آغاز دوره دبیرستان و بمقتضای محیط کارگری زیست خود، بمسائل سیاسی علاقه پیدا کرد و در نبرد مردم ایران با تمام شورجوانی خویش وارد شد. محیط کارگری خانواده بالطبع او را بسوی حزب توده ایران آورد و در فروردینماه ۱۳۳۱ به عضویت سازمان جوانان حزب توده ایران پذیرفته شد. بعزت فعالیت سیاسی در محیط دبیرستان، او را از تحصیل در مدارس دولتی محروم کردند. بر اثر این ممنوعیت، او فقط یکسال توانست در دبیرستان ملی درس بخواند و سپس ناچار شد ترک تحصیل کند.

از سال ۱۳۳۶، رفیق صابر محمدزاده شروع بکار تراشکاری کرد. در میان طبقه ای که از آن برخاسته بود و بکمک تجربه فعالیتهای سیاسی گذشته، وی تربیت سیاسی و اجتماعی خود را کامل کرد و در اعتقاد خود بدرستی راه حزب توده ایران و رسالت طبقه کارگر را ساختار شد. فعالیت های مخفی سیاسی و ویژه فعالیت در جایگاه مخفی حزب، منجر به دستگیری او در اردیبهشت ۱۳۴۶ توسط ساواک شد. وی پس از دفاع شجاعانه در بیدارگاه نظامی از آرمانهای خود و محکوم نمودن بساط حاکم در ایران، به هفت سال زندان محکوم شد. در آن زمان حزب ما در سطح جهانی کارزار دفاعی بزرگی را برای نجات او و رفیق کارگر هم رزمش آصف رزم دیده، که او نیز از جانب ما نامزد شرکت در مجلس خبرگان است، سازمان داد. هفت سال در زندانهای گوناگون، هم مکتب جدیدی بود که در آن صابر آموخت و هم صحنه نبردی بود که در آن صابر فعالانه شرکت داشت. ولی پس از گذشت دوران محکومیت، رژیم شاه مخلوع حاضر نشد این کارگر مبارز را که زندان را هم به صحنه بیکار بدل کرده بود، آزاد کند و مجدداً به ۱۲ سال دیگر محکومش کرد.

پنج سال پس از آن، در ۲۰ آذر ۱۳۵۷، هنگامیکه موج های بی دردی جنبش انقلابی مردم ایران پایه های رژیم سلطنتی منقرض و دست نشانده رافرو می ریخت و بانك «زندانی سیاسی آزاد باید گردد»، فضای ایران را بلرزه در آورده بود، صابر محمدزاده نیز باتفاق رفقایش درهای زندان را بر روی

خود گشوده یافت و با دیدگی بمیان طبقه خود و بمیان خلق خود بازگشت.

دوران چند ماهه پس از آزادی، دوران فعالیت شکوفان و پر بار رفیق صابر محمدزاده است او در مرکز رهبری حزب خودش، در میان طبقه کارگر، که با همه دردها و خواست های آشنائی دارد، بکار پرثمر سازمان دهی و تبلیغی مشغول است.

به تصدیق همه دوستان و آشنایان، علیرغم ظاهری کم حرف و ساکت، رفیق صابر با چنان شور و فعالیت به کار میپردازد که خستگی ناپذیر می نماید و در زیر دیر آشنائی و کم جوشی ظاهری، صمیمیتی بیسکران نهفته دارد.

رفیق صابر محمدزاده، کارگر تراشکار و یکی از کادر های برجسته حزب طبقه کارگر، میتواند با شایستگی از منافع زحمتکشان و مصالح میهن ما در مجلس بررسی نهائی قانون اساسی مدافعه کند.



پیکار جوئی خستگی ناپذیر در امر تشکل زنان

رفیق مریم فیروز، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، از جانب حزب، نامزد نمایندگی در مجلس بررسی نهائی پیش نویس قانون اساسی از تهران است.

رفیق مریم فیروز از برجسته ترین بانوان مبارز ایران و شخصیت شناخته شده ایست که از او ان جوانی گام در راه مبارزات ترقیخواهانه و آزادی طلبانه گذشت.

رفیق مریم فیروز در سال ۱۲۹۲ در کرمانشاه متولد شد. وی تحصیلات ابتدائی، متوسطه و عالی را در تهران بی پایان رساند و در مهاجرت اجباری سیاسی بدریافت درجه دکترا در ادبیات و زبان فرانسه نائل گردید.

از سال ۱۳۲۰ در نهضت آزادیخواهی ایران شرکت فعال و پرثمر داشت. وی از سال ۱۳۲۲ در تشکیلات دمکراتیک زنان ایران بفعالیت خستگی ناپذیر پرداخت و در سال ۱۳۲۳ به عضویت حزب توده ایران درآمد. رفیق مریم فیروز در سال ۱۳۲۷ در کنگره دوم حزب به عضویت مشاور کمیته مرکزی برگزیده شد. وی در همان سال، پس از کودتای بهمن ۱۳۲۷، تحت پیگرد قرار گرفت و در سال ۱۳۲۸ غیابا محکوم به پنج سال زندان با اعمال شاقه شد.

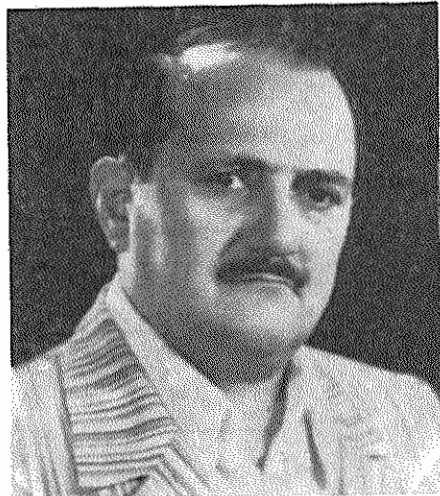
از همان سال ۱۳۲۷، رفیق مریم در شرایط پنهانکاری به مبارزات دشوار و پرخطر ادامه داد، در امر بسیج زنان در تشکیلات زنان و حفظ و ادامه مبارزه این سازمان و در سرپرستی فعالیت مطبوعاتی آن، با از خود گذشتی کار کرد. بدت ۸ سال زندگی پنهانی رفیق مریم با مبارزه ای خستگی ناپذیر ادامه یافت. در سال ۱۳۳۵ ادامه مبارزه پنهانکارانه وی در ایران ناممکن شد و مجبور به جلای وطن گردید.

در دوران مهاجرت سیاسی، که تا پایان سال ۱۳۵۷ دوام یافت، رفیق مریم فیروز آنی از مبارزه علیه رژیم دست نشانده استبدادی شاه مخلوع باز نایستاد. بهنگام مهاجرت، مجدداً بطور غیابی دوبار محکوم شد. بار اول به ده سال زندان و سپس بزندان ابد با اعمال شاقه.

رفیق مریم فیروز در سال ۱۳۵۷ به عضویت کمیته مرکزی حزب توده ایران برگزیده شد و اینک، در میهن آزاده شده ما با همان شور و خستگی ناپذیری همیشگی به امر تشکل زنان در مبارزه بخاطر برابری حقوق و در بیکار برای تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب بزرگ مردم ایران مشغول است.



# نامزدهای حزب توده ایران برای مجلس خبرگان



**کارگری  
رزمنده  
مدافع  
پیگیر منافع  
زحمت  
کشان**

بقیه از صفحه قبل

رفیق علی لامعی - کارگری که در مکتب مبارزات سخت و درازمدتی پرورش یافته و در مقام عضو حزب توده ایران، همواره از منافع زحمتکشان شورفعلانه دفاع نموده، از جانب حزب ما نامزد نمایندگی در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی از مازندران است.

رفیق لامعی به سال ۱۲۹۸ تولد یافته است، پس از گذراندن دوره تحصیلات ابتدائی در سال ۱۳۱۵، در کارخانه چیت سازی بهر شهر بست کارگری استخدام شد. وی در این کارخانه بمدت ۱۵ سال همراه با فعالیت سیاسی کار کرد. در آبان ۱۳۳۹، وی بسبب مبارزات سیاسی از کارخانه اخراج شد و دیگر نتوانست استخدام گردد. از آن پس با شغل عکاسی زندگی خود را گذراند، ضمن اینکه با ادامه فعالیت سیاسی، استعداد خود را در کار سازماندهی مبارزه زحمتکشان بروز داد.

رفیق لامعی تا سال ۱۳۲۰ عضو کمیته سازمان جوانان بهر شهر بود. وی از سال ۱۳۲۳ تا ۱۳۲۵ به عضویت کمیسیون تشکیلات حزب انتخاب گردید و سپس از سال ۱۳۳۱ تا ۱۳۳۲ به عضویت کمیته شهرستان بهر شهر ارتقاء یافت.

رفیق لامعی در جریان فعالیت های سیاسی و مبارزات پیگیر چندین بار بازداشت شد، که دوبار منجر به محکومیت وی گردید.

رفیق لامعی در سال ۱۳۳۰ بمدت یکسال و از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۵ بمدت سه سال در زندان بسر برد. چهار سال زندان، رفیق لامعی را آبدیده تر ساخت. قطع اجباری رابطه وی با حزب مانع از آن نشد که اعتقاد راسخ رفیق لامعی، بدرستی راه مبارزه پر رنجی که برگزیده، راسخ تر گردد، در سال ۱۳۳۷ رابطه وی با حزب مجدداً برقرار شد و با عده ای به فعالیت پرداخت، ولی نفوذ ما توفیقها در گروه او منجر به از هم پاشیدن گروه گردید. رابطه رفیق علی لامعی با مرکز حزب بار دیگر در سال ۱۳۵۱ برقرار شد و چندین سال، در محیط اوج خفقان ساواک به کار بخش مخفیانه نشریات حزبی پرداخت. در سال ۱۳۵۷، در جریان نضج جنبش انقلابی، قبل از ماه محرم، با تفاق دوفرنش دستگیر و زندان افکنده شد. انقلاب پیروزمند خلق در زندان را بروی رفیق لامعی و هم زنجیرانش کشود و رفیق لامعی مجدداً به فعالیت سیاسی - اینبار در خدمت به تحکیم انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی پرداخت.

کارنامه زندگی رفیق علی لامعی، که اکنون مسئول سازمان حزب توده ایران در بهر شهر است، کارنامه ای است گویای وفاداری، پیگیری و سرسختی او در مبارزه بسود منافع زحمتکشان، استقلال و آزادی و آبادی کشور.



**کارگری  
مبارز و  
وفادار به  
آرمان  
طبقه اش**

رفیق غلامرضا روحانی شهرکی، از مسئولین سازمان ایالتی حزب توده ایران در اصفهان، از جانب حزب، نامزد نمایندگی در مجلس بررسی نهایی پیش نویس قانون اساسی از اصفهان است.

رفیق روحانی دهقان زاده ای است که بصوف طبقه کارگر پیوسته، کارگری است که تمام زندگی آگاهانه خود را وقف آزادی زحمتکشان کرده است.

رفیق غلامرضا روحانی شهرکی در سال ۱۲۹۷، در یک خانواده دهقانی پایه عرصه حیات گذارد. تحصیلات خود را تا سوه متوسطه ادامه داد و سپس بعلت فقدان امکانات مادی خانواده اش، ترک تحصیل کرد. وی از سن ۱۸ سالگی، بعنوان کارگر بافنده، در کارخانه زاینده رود اصفهان مشغول کار شد. او که خود از آغاز جوانی به فروش نیروی کار مجبور شد، همزنجیران خویش، از کودکان ۱۰ ساله تا پیرمردان ۶۰ ساله را میدید که نشاط و نیروی جوانی و حیات خود را در پای ماشینهای بافندگی میریزند و جز گذرانی دشوار سهمی از زندگی

ندارند. پایبای رشد سنی، آگاهی طبقاتی او نیز در حلقه کارگران زحمتکش و محروم کارخانه زاینده رود اصفهان رشد مییافت، تا بدانجا که، در سال ۱۳۲۵، و در اوج گسترش مبارزات کارگری، زیر پرچم شورای متحده مرکزی، به عضویت حزب توده ایران درآمد.

رفیق روحانی بعلت شرکت در مبارزات مخفی حزب توده ایران پس از بهمن ۱۳۲۷، در سال ۱۳۲۸ بازداشت شد و مدت چهارماه در زندان بود. وی تا سال ۱۳۳۱ چندین بار به تناوب بازداشت و پس از چندی بعلت فقد دلیل آزاد شد. رفیق روحانی روزی ام تیر سال ۱۳۳۱، بعلت شرکت فعال در تظاهرات علیه شاه - قوام مجدداً بازداشت و برای مدت شش ماه به بند عباس تبعید شد. برای رهائی رفیق مبارز، حزب توده ایران، جمعیت طرفداران صلح و مطبوعات حزب مبارزه وسیعی را آغاز کردند. در نتیجه رفیق روحانی پس از گذراندن ۴ ماه در تبعید به زادگاه خود بازگشت.

کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ و تسلط ارتجاع و امپریالیسم بر میهن ما، موجب بازداشت صدها رفیق توده ای شد. رفیق روحانی نیز یکی از بازداشت شدگان بود. او که از سال ۱۳۲۹، عضویت کمیته ایالتی اصفهان را عهده دار بود، به دو سال زندان محکوم شد، که یکسال آنرا در تبعید، در جزیره خارک، گذراند.

وفاداری به آرمانهای طبقه کارگر و استمرار در مبارزه برای تحقق اهداف حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، از رفیق روحانی شخصیتی مورد اعتماد و قابل احترام برای همه زحمتکشان ساخته است.



**شخصیت  
علمی و  
فرهنگی،  
مبارز راه  
رهائی  
طبقه کارگر**

رفیق حسین آذر، از مسئولین سازمان ایالتی حزب توده ایران در اصفهان، از جانب حزب، نامزد نمایندگی در مجلس بررسی نهایی پیش نویس قانون اساسی از اصفهان است.

رفیق حسین آذر، در سال ۱۳۰۵، در یک خانواده مرفه و انسان دوست با بجهان گذارد. تحت تاثیر تربیت و نفوذ پدر، به رشته پزشکی علاقمند شد و به تحصیل در این رشته پرداخت و در سالهای ۱۳۲۵-۱۳۲۶، در رشته طب عمومی، از دانشکده پزشکی دانشگاه تهران فارغ التحصیل گردید و از همان آغاز جوانی در صدد یافتن راه حل صحیح مسائل اجتماعی کشورش برآمد و پس از بررسیهای فراوان، در سال ۱۳۲۳ راه عضویت حزب توده ایران را برگزید. رفیق حسین آذر بلافاصله پس از پایان تحصیل، به علت فعالیت در صفوف حزب توده ایران، دستگیر و زندانی شد. وی سالهای زیادی را در زندانهای تهران و اصفهان گذراند. رفیق دکتر حسین آذر در تمام سالهای زندان، با وجود شرایط دشوار آن، از انجام وظایف انسانی خود نسبت به یاران همزنجیر خویش غافل نماند و کمک به حفظ سلامت رفقای توده ای و سایر زندانیان را یکی از وظایف مهم خویش در زندان میشمرد. جهان بینی او و فعالیتش در صفوف حزب توده ایران با آموخته بود که، قبل از آنکه پزشک باشد، باید یک انسان توده ای باشد و در این راه با سرسختی و پایداری در صفوف حزب ما مبارزه ادامه داد.

رفیق حسین آذر در صفوف حزب توده ایران مسئولیتهای گوناگون داشته، و از جمله اداره کنفرانسهای پزشکی هفتگی بزبان ساده را برعهده داشته است.

رفیق حسین آذر یک شخصیت علمی، و فرهنگی و سیاسی است که پیگیرانه و با استواری برای رهائی خلق، برای آزادی طبقه کارگر، برای تأمین استقلال و آزادی ایران عزیز پیکار کرده و اکنون نیز در سنگر مبارزه برای تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب ایران محکم و تزلزل ناپذیر ایستاده است.

## مأمور ساواک عضو کمیته سفارت امریکا

گزارش زیرین به «مردم» رسیده است: سید مرتضی موسوی، که در دوران رژیم شاه مخلوع، زمانی رئیس ساواک بندر انزلی و سپس در مرکز مأمور رسیدگی به وضع اتباع بیگانه بوده، اینک در «کمیته» سفارت امریکا مشغول «خدمات» است. وی در گذشته به چین هم سفر کرده است. ما از مسئولین امور می خواهیم که موضع کمیته سفارت امریکا فوراً رسیدگی کنند و از جمله کسانی مانند سید مرتضی موسوی، مأمور ساواک را، که معلوم نیست چگونه توانسته اند خود را در «کمیته» جادهند، تصفیه کنند و تحت تعقیب قرار دهد.

## سخنرانی تحریک آمیز در پادگان

روز سیزدهم تیرماه جوانی روحانی نما برای سخنرانی وارد پادگان شد. سخنرانی او دو ساعت تمام، از ساعت ۱۱ تا یک بعد از ظهر، بطول انجامید. تمام مضمون سخنرانی او، بی اعتبار کردن نیروها و کشورهای های ترقیخواه، بوسیله یکی جلوه دادن آنها با نیروهای ارتجاعی و کشورهای امپریالیستی بود. این شکر در تبلیغاتی در عین حال برای تبری امپریالیسم، برای اینست که آتش خشم خلق انقلابی، و در این مورد بخصوص ارتشیان متوجه امپریالیسم شود، بلکه برعکس متوجه نیروهای ضد امپریالیستی گردد.

سخنران جوانی بود بنام استاد ابراهیمی. او از حضار پوزش خواست که از خارج آمده و تهران را نمی شناسد! چند کتابی همراه خود داشت تا نشان دهد دانشمند و همه چیز دان است! او حکومت دیکتاتوری دست نشانده سوموزا را در نیکاراگوئه، با لیبی و عربستان، چین و شوروی و امپریالیسم، همه را در یک کیسه ریخت، همه آنها را بیگسان ارتجاع نامید و در معرفی آنها از رنگهای سفید و سیاه و زرد و سرخ استفاده کرد.

اینگونه تبلیغات در ارتش، که باید در خدمت انقلاب ضد امپریالیستی و استقلال طلبانه خلق باشد، سم مهلک است. خلق و کشور ما دشمنان شناخته شده دارند و این دشمنان جز امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم امریکا، و دستیاران آنها کسی دیگر نیست. نیروها و کشور های ضد امپریالیستی را در ردیف کمک به بازسازی ارتش، بصورت ارتش ضد خلقی دوران پهلوی است. ارتش باید برخلاف گذشته دشمن واقعی خلق و کشور را بشناسد، تا کسی نتواند در آینده آنرا بر ضد خلق و استقلال کشور بکار بندد. تبلیغات در ارتش باید در جهت آگاهی ارتشیان باشد، نه در جهت گمراه کردن آنان.



**رفیق  
از  
سوزدهمین  
نذمت  
و  
کار**

علی اکبر مایلزاده به سال ۱۳۰۹ در آبادان در یک خانواده زحمتکش متولد شد. از سالگی اجباراً شروع بکار کرد و اینکه ۲ سال مداوم است که بعنوان کارگر مشغول بکار است.

اراده محکم و استعداد سرشار مایلزاده به او امکان داد که بر دشواریها - نایب آید و بهر راه کار سنگین روزانه، شبها درس بخواند و خود را بسازد. او اینک کارگری آگاه و با سواد است که گاه احساسات پاک انقلابی خود را در قالب شعر میریزد.

مایلزاده از ۱۵ سالگی بطور فعال به مبارزات صنفی و سیاسی و به ویژه مبارزات ضد انحصارات امپریالیستی نفت پیوست و از همان نخستین گام راه را مستقیم طبقه کارگر یافت. او از سال ۱۳۲۴ به عضویت شورای متحده مرکزی و حزب توده ایران درآمد و بطور فزاینده بر سر راهش بود استوار و بی انحراف در این سنگر ایستاد.

مایلزاده خادم وفادار طبقه کارگر و فرزند خلف کارگران مبارز خوزستان است. او در مجلس خبرگان سخن گوی صدیق مردم زحمتکش خوزستان و مدافع آگاه دوستی خلقهای ایران خواهد بود.

# وحدت عمل، تنها پاسخ قاطع به ضد انقلاب

انقلاب ایران مرحله بنیادی و حساسی را میگذراند. ضدانقلاب در سراسر کشور و در همه عرصهها به فعالیت و گستاخی خود افزوده است. دشمن، که دیروز از ضرب به مهلك دچار سرگشته بود، امروز به خود آمده است. اگر دیروز حرف میزد و شایعه میساخت، امروز عمل میکند و حادثهها میآفریند. ضد انقلاب، که قدرت را از کف داده بود، اگر دیروز برای نجات جان و مال سراسیمه در حال گریز پراکنده بود و سلاح و سازمان را بر جای میگذاشت، امروز برای بازگشت به قدرت در حال تجمع نیرو، تجهیز پول، گردآوری سلاح و ایجاد سازمان است.

تشدید فعالیت ضد انقلاب فقط از روی نومیدی نیست. آخرین تلاش محض در بستر مرگ هم نیست. برعکس، ضد انقلاب در پی همه تاریکها، نور امید هر چند کم و سو، انتظار حیات دوباره هر قدر کم احتمال، در پیش روی دارد. این امید و انتظار از کجاست؟ از پراکندگی در صفوف انقلابیون، با وجود یگانگی در عمدهترین، حیاتیترین و قاطعترین هدف انقلاب، یعنی وارستگی اقتصادی و سیاسی از امپریالیسم - در هر رنگ و نمائی، رهائی از خود کامگی و وابستگی در هر شکل و ردائی در تعبیر و تفسیر این دو، در راهجویی و راهپیمایی بسوی آن میتوان نظر هاداشت، تا حد اختلاف، این نظرها را امروز هم میتوان باید گفت، به آنکه راه در اتحاد دشوارتر و بدتر از آن نامیسازد. ولی، حل نهائی را باید به فرادست، که امروز دشمن در کمین است. اگر بخواهیم به تمام کارها و

مسائل، بخصوص آنچه که فرعی است، هم امروز بپردازیم، چنان سرگرم خود و غافل از خصم خواهیم شد، که فقط شیخون دشمن مارا به خود خواهد آورد... که دیگری در پیش بودن تصویب قسانون اساسی، انتخابات مجلس، گذار از دولت منتصب موقت بسه دولت منتخب «دائم» و تفاوت و اختلاف در چگونگی برداشتها از این مسائل و شیوههای طرح و بیان آنها، در جای خود، دشمن را به بهره برداری از وضع و آزمایش نیرو، حریص تر و مصمم تر کرده است.

در این گیرودار، سخنمان ناسنجیده و اعمال نا بخردانه قطبهای افراطی - از قشرهای مذهبی نما گرفته تا جرمیهای چپ گرا - هم فشارا برای تبادل نظر مستقیم، سالم و خون سرد - چه رسد به اتحاد و پیمان - همسان نیروهای راستین انقلاب مسموم میسازد و هم محیط را برای سوء استفاده ضد انقلاب آماده. از بدبینی ها و پیشداوریها و ذهننگرا نیتهای نسبت به نیروهای راستین چپ دیگر سخن نمیگوئیم، که افسوس دامنگیر برخی از مسئولترین نیروها و شخصیتهای سیاسی و اجتماعی هم هست.

شرکت میلیونها تن در راه - پیمائی ۲۶ تیر، نمونه برجسته آمادگی توده مردم در سراسر کشور برای مبارزه متحد علیه امپریالیسم و ضد انقلاب بود. این آمادگی از پائین امری است طبیعی، ولی آنچه غیر طبیعی میتامید، روش و شیوه ایست که رهبری برخی سازمانها در پیش گرفته اند، یعنی جلوگیری از

صبح روز چهارشنبه سوم مرداد ماه ۱۳۵۸، رفیق فقید محمد رضا قدوه، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، در میان اندوه و تأثر عمیق خویشان، همزمان و یارانش، در بهشت زهرا بخاک سپرده شد.

بر مزار رفیق فقید محمد رضا قدوه، رفیق منوچهر بهزادی، عضو هیئت سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب توده ایران، از جانب کمیته مرکزی گفت: «دوستان گرامی، رفقای عزیز! قدوه عزیز وارجمند ما، رفیقی که ۴۵ سال پیش، مبارزه در راه آرمان خلق و آرمان طبقه کارگر و حزبی را، در کنار آرمانی، رهبر زحمتکشان ایران، آغاز کرد و تا آخرین لحظه حیات، با ایمانی تزلزل ناپذیر، با عزمی راسخ، با شور انقلابی، این راه پرافتخار را پیمود، اینک در آرامگاه ابدی خود جای میکند.

قدوه عزیز وارجمند ما سعادت آنرا یافت که نخستین بهار آزادی ایران را ببیند و با شور و شوق و امیدی تازه، با نیروی خستگی ناپذیر خویش، در فعالیت علنی نوین حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران شرکت کند.

## آخرین وداع بار رفیق

### فقید

## محمد رضا

### قدوه



ولی افسوس و درین که او نتوانست بیش از این، تجربه غنی انقلابی خود را، بویژه در اختیار نسل جوان انقلابی قرار دهد. قدوه عزیز وارجمند ما، که با سربلندی زیست، در دوران زندگی برای

همزمان و یارانش نمونه یک مبارز انقلابی بود، و اینک هم که در میان آنها نیست، در وجود حزبی زنده است و همچنان سر مشق مبارزاتی است که راه حزبی را ادامه میدهند.

قدوه عزیز وارجمند! در این هنگام که برای همیشه از تو وداع میکنیم، آرمان و آرزو و امید تو در دل زنده نگه میداریم و تجدید پیمان میکنیم که مانند تو، برای استقلال و آزادی ایران عزیز، برای رهایی زحمتکشان از قید ظلم و ستم، برای تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب بزرگ مردم ایران، زین پرچم پرافتخار و خونین حزب تو، حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، یکدم از پای نایستیم.

قدوه عزیز وارجمند! تو به ابدیت پیوستی، ولی خاطره گرمی ات جاودان خواهد ماند.

رفیق بهزادی سپس دسته گلی را از جانب کمیته مرکزی حزب توده ایران نثار مزار رفیق فقید محمد رضا قدوه کرد. حاضران در حالیکه سرود حزبی میخواندند و میگفتند: توده ای فه رمان، راهت ادامه دارد، وداع آخرین را با رفیق فقید محمد رضا قدوه، مبارز انقلابی راه طبقه کارگر، راه آزادی و استقلال ایران بجا آوردند.

### از کمک دوستان و رفقا متشکریم

- کارگری از دوستان زوجی، که هدیه عروسی را به حزب داده است ۱۰۰۰ ریال
  - کارگری از دوستان زوج فوق، که هدیه عروسی را به حزب داده است ۵۰۰ "
  - کارگری از دوستان زوج فوق، که هدیه عروسی را به حزب داده است ۵۰ "
  - خانم لاله ۱۰۰۰۰ "
- باضافه یک مدال طلا

# سفیر ایران با هزاران مسلمان شوروی نماز جماعت خواند

در مسجد جامع لنینگراد:

■ سفیر ایران: با آنکه به دوستی و احساسات برادرانه ملت و دولت شوروی نسبت به انقلاب ایران،

امیدواریم روابط مسلمانان دو کشور گسترده تر شود.

سفیر جمهوری اسلامی ایران در اتحاد جماهیر شوروی، در دیدار خود از لنینگراد، در مسجد جامع، همراه هزاران نفر از مسلمانان نماز جماعت گذارد و برای آنان سخن گفت.

دکتر محمد مکرری، که در جریان دیدار ۷ روزه خود از لنینگراد، با مقامات طراز اول فرهنگی و دانشگاهی و کارشناسان آن شهر درباره چگونگی روابط دو کشور گفت و گو کرده است، در سخنان خود، که توسط خبرگزاری پارس مخایره شده است، گفت:

«جمهوری اسلامی ایران هم اکنون مرکز اتحاد و یگانگی مسلمانان جهان شده و رشته های پاره شده میان مسلمین را دوباره پیوند میدهد و اکنون با نگاه بدوستی و احساسات برادرانه ای که ملت و دولت شوروی نسبت به انقلاب ایران پیدا کرده است، امیدواریم که روابط مسلمانان شوروی و ایران گسترده تر شود. عموم مسلمانان شوروی رهبر عالیقدر انقلاب اسلامی ایران را همچون چشم خود دوست دارند و مبارزات پیگیرانه او را میستایند.»

دکتر مکرری پس از تشکر از سخنان محبت آمیز امام مسجد جامع لنینگراد، که شرح مفصلی از مقام امام خمینی

کرد. پس از ادای نماز و تلاوت آیاتی چند از کلام الله مجید، دکتر مکرری با زهم از امام مسجد و زنان مسلمانی که در شبستان مجاور در ادای مراسم و فرائض مذهبی شرکت داشتند، تشکر کرد.

بر اساس گزارش خبرگزاری پارس، در ملاقات سفیر ایران با مقامات لنینگراد قرار شد که حتی المقدور برنامه های تحقیقاتی درباره ایران با مشورت و همفکری طرفین انجام گیرد و بویژه این مطلب مورد تاکید قرار گرفت که برای همیشه به آن دسته از برنامه های مصنوعی و امپریالیستی، که هدف آنها تفرقه اندازی و تاریخ سازی و ملیت منطقه سازی است، پایان داده شود.

در این سفر، نمایندگی ایران در لنینگراد به یک مرکز فعال فرهنگی جهت معرفی جنبه های واقعی انقلاب اسلامی ایران تبدیل و قرار شد نمایشگاهی از آثار امام خمینی و دیگر دانشمندان ایران به زبانهای مختلف در شوروی تشکیل شود.

رئیس دانشگاه و دیگر مقامات دانشگاهی لنینگراد تاکید کردند که انقلاب ایران از حوادث مهم قرن حاضر بود و در مسیر تحولات آینده جهان اثر خواهد گذاشت و امام خمینی در قلب همه مردم شرافتمند جای دارد.

و مبارزانشان در جهت پیروزی انقلاب اسلامی ایران داده بود، از بیانات دوستانه رهبران بلند پایه و خلقهای اتحاد شوروی نسبت به رهبر مردم ایران و درباره رسانتهای انقلاب اسلامی ایران سخن گفت و ابراز امیدواری کرد که روابط فرهنگی میان مسلمانان ایران و شوروی توسعه بیشتری یابد.

سفیر جمهوری اسلامی ایران در اتحاد شوروی در دنبال سخن خود گفت: «ما در این مناسبات قصد هیچگونه مداخله ای را در امور شوروی نداریم، بلکه عقیده داریم بین مسلمانان دو کشور در زمینه های فرهنگی و مذهبی بهتر است تماس های بیشتری برای شناسائی یکدیگر صورت گیرد. در پیام قوائد اعظم انقلاب اسلامی ایران بعنوان حضرت لئونید برژنف، صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی، همبستگی و اتفاق ملل جهان و آسایش ابناء بشر و نیز توسعه صلح و آرامش بین المللی، صمیمانه آرزو شده است.»

بعد از پایان سخنان دکتر مکرری، امام مسجد جامع لنینگراد، به افتخار پیروزی انقلاب اسلامی ایران، امامت نماز جمعه را بعهده سفیر جمهوری اسلامی ایران واگذار

## اخبار دهقانی

### در کرد و دهات اطرافش چه میگذرد؟

جمعیت خودکند حدود ده هزار نفر است. محصولات عمده این شهرک میوهجات مثل انجیر، بادام و گردوست. صنعت دستی فلزکاری کردند شهرت زیاد دارد. آب قنات بیشتر در باغات مصرف میشود، زیرا اکندمزارها و مزارع بیشتری می هستند. کردند یک نیمه ده، نیمه شهر است.

مالک بزرگی باسم امیر احتشام در کردند حکمروائی داشت، که حتی بعد از اصلاحات هم نفوذ خود را از دست نداده بود. نامبرده در زمان حیات خود با دربار در ارتباط بوده است. اکثر اراضی اطراف متعلق به این مالک است. سرمایه داران عمده فعالیت خود را در جهت نزول خواری متوجه کرده اند.

پیشه‌وری، که بیشتر جنبه فلزی کاری دارد، در اثر هجوم اجناس کارخانه‌های خارج و داخل کشور رونق سابق خود را از دست داده و منحصراً به چندین کار فلزکاری شده است، که محصولات خود را به مغازه داران کنار جاده می‌فروشد. سرمایه داران نزول خواری، که مهمترین مغازه و بهترین خانه متعلق به آنهاست، اغلب زمین و باغ و گوسفند و گاو هم دارند. مذهب اکثریت اهالی کردند، اهل حق است، که مراسم عبادت و تشریفات مذهبی اش با شیعیان و اهل تسنن متفاوت است.

وضع مردم من حیث المجموع بد و زهر نظر عقب مانده ساختمان خانه‌ها اغلب قدیمی، غیر بهداشتی و نامطمئن است. وضع بهداشت و درمان در سطحی پایین و منحصر به درمان نگاه است که زیر نظر دکتر هندی اداره میشود.

آموزش و پرورش و مبارزه با بی‌سوادی هم دارای وضع بدی است. اکثر اهالی بی‌سوادند، بجز از یک مدرسه راهنمایی، که تقریباً تازه سازماندهی شده و تئوداد پیرستان کردند دارای ساختمان قدیمی و غیر بهداشتی است. تریاک کشیدن هم رونق زیاد دارد. قبل از پیروزی انقلاب احساسات مذهبی مردم از طرف ساواک و ژاندارمری مورد سوء استفاده قرار میگرفت. مثلاً شایع میکردند که اگر امام خمینی و شیعیان پیروزشوند، اهل حق را خواهند کشت و یا از ایران اخراج خواهند کرد و سبیل‌های آنها را خواهند برید.

#### وضع دهات

دهاتی که از نظر اداری و تقسیمات کشوری جزء کردند محسوب میشوند، از نظر اقتصادی و روابط معیشتی و تولیدی و رفاهی پیوند چندانی با خود کردند ندارند و بیشتر آنها از نظر واقعی و اقتصادی و حتی جغرافیایی به شهرهای شاه آباد، سرپل ذهاب و کرمانشاه مربوط میشوند.

قصبه گهواره، مرکز ناحیه گوران، تا اندازه زیادی به کردند شبیه است، با قشر اداری و دکان و بازار مختصر. در اطراف گهواره باغات سیب فراوانی قرار دارد که اغلب در مالکیت افراد بخصوص و سرشناس است. بیوه بیچ دشتی است که از نظر فاصله مکانی از کردند چندین دور نیست، ولی بعلت فاقد بودن جاده قابل عبور، بخصوص در زمستان و ایام بارندگی، ارتباط چندانی مردم این ناحیه با کردند ندارند. ناگفته نماند که در زمان پهلوی یک پایگاه هوایی در دشت بیوه بیچ ساخته شده، که تا تمام مانده است. برای رفت و آمد به این پایگاه جاده خوبی از طرف ارتش کشیده شده، که بروی عامه مردم بسته بود و گویا رفت و آمد برای مأمورین غیر نظامی دولت، مثل مأمور بهداشتی و آموزش و پرورش هم ممنوع بود. اگر این جاده جهت استفاده تحت اختیار اهالی بیوه بیچ قرار گیرد، تأثیر زیادی در توسعه دهات و بهبود شرایط زندگی اهالی این ناحیه دارد.

منطقه قلعه خانی از تمام مناطق ذکر شده در بالا عقب افتاده‌تر و دور افتاده‌تر است. اهالی دهات نواحی مذکور بطور کلی از راه کشاورزی و دامداری امرار معاش میکنند. هنوز عدد زیادی از اهالی دهات ییلاق و قشلاق میکنند. ییلاق و قشلاق در مسئله درس خواندن بچه‌های اهالی تأثیر سوئی دارد، گرچه فارغ التحصیلان دانشسرای عشایری شیراز، که باین مناطق اعزام شده بودند، تا اندازه‌ای از بطن نچی این مسئله کاسته بودند.

کشاورزی اهالی اغلب بصورت دیم صورت می‌گیرد و اغلب دهات در تهیه آب خوردن هم در مضیقه هستند. تراکتور به تعداد کمی در سراسر مناطق فوق وجود دارد، که آنها اغلب در مالکیت اشخاص بخصوصی از قبیل کدخدایان و دهقانان مرفه بعضی از دهات است.

سایر اهالی و دهات مجاور تراکتور را کرایه میکنند و یا اصلاً از تراکتور استفاده نمی‌کنند. بی‌آبی و عدم آشنائی اهالی با اصول کشاورزی و دامداری، باعث بازدهی کم در این دوره شده است. نبودن مراتع سرسبز هم از مهمترین علت های عقب ماندگی دامداری در این مناطق است.

اغلب دهات، مگر آنها که کنار جاده گهواره قرار دارند، فاقد راه اند و از نظر ارتباط با شهر، بخصوص در فصل سرما و بارندگی، دچار مشکلات زیادی هستند.

## ایجاد مصونیت برای عوامل دستگاه اعمال قهر و خیانت رژیم سابق خطر جدی برای انقلاب است

ضد انقلاب بردارنده و شدت فعالیت خود افزوده است. این واقعیتی است آشکار. و نیز آشکار است که ضد انقلاب فعالیت خود را در تخریب، آتش سوزی، قتل، تفرقه افکنی، شایعه سازی بطور عمده با دست مأموران سیا، ساواک، موساد و نیز سازمان‌های انجام میدهند که توسط همین مأموران تشکیل می‌یابند.

لذا اگر فرمان عفو که صادر شده، چنین تعبیر شود که فقط قاتلان و شکنجه گران و دستور دهندگان قتل و شکنجه قابل تعقیب و مجازاتند و دیگر مأموران ساواک، کارگزاران فعال رژیم شاه مخلوع، خائنان و سازماندهان عملیات ضد انقلابی مصون از مجازاتند، تعبیری زیان بخش خواهد بود.

ضرورت سرکوب ضد انقلاب، ضرورت متلاشی کردن صفوف ضد انقلاب ایجاد میکند که نه فقط قاتلان و شکنجه گران و دستور دهندگان مستقیم قتل و شکنجه مجازات شوند، بلکه سوابق و عمل تمام خائنان، تمام مأموران شبکه جهنمی ساواک و تمام مهره‌های عمده رژیم اختناق و خیانت گذشته مورد تحقیق قرار گیرد و هر کدام از آنها به نسبت کردارشان مجازات گردند. مؤکداً تصریح کنیم که منظور ما از مجازات، فقط اعدام نیست. اخراج از دستگاه دولتی، زندان، بدهت‌های مختلف نیز مجازات است. آنچه مسلم و ضرور است اینست که، دستگاه دولتی باید از تمام کارگزاران رژیم سابق، از تمام مأموران شبکه جهنمی ساواک پاک شود. در غیر این صورت ضد انقلاب همواره مهره‌ها و عناصری برای اعمال نفوذ، برای سازماندهی عملیات ضد انقلابی در دست خواهد داشت.

مردم مشاهده میکنند که در این روزها افرادی بدون اعلام دلیل و بدون اعلام مشخصات و مشاغل که داشته‌اند، از زندان آزاد میشوند. مردم نمیدانند که اینان بچه‌دلیل‌زندان شده‌اند و بچه دلیل آزاد میشوند. همچنین مردم مشاهده میکنند که کسانی بدون اعلام دلیل دستگیر میشوند و بزندان می‌افتند. این نحوه آزاد کردن و یا دستگیر کردن با مصالح انقلاب سازگار نیست. مردم باید احساس کنند و معتقد گردند که هیچکس بدون ارتکاب بزه دستگیر نمیشود و نیز احساس کنند و معتقد گردند که فقط بیگناهان آزاد میشوند.

اگر قرار باشد که کارگزاران و مهره‌های عمده رژیم سابق، خائنان و مأموران ساواک از پیگرد و مجازات مصاف گردند، وقتی آنها فقط بدلیل اینکه مرتکب قتل نشده و یا شکنجه نداده‌اند، آزاد گردند، این عمل از یکسوزش انقلابی مردم میکاهد و از سوی دیگر باعث ستاختر شدن عوامل ضد انقلاب میگردد.

از همین دیدگاه باید به سازمان «ضد اطلاعات» ارتش تکیه است. این سازمان در واقع و در عمل «ساواک» ارتش است. این سازمان را اداره جاسوسی پنتاگون بوجود آورده و غده سرطانی ضد انقلابی در درون ارتش است. آنها باید منحل کرد و افراد آنرا از ارتش اخراج نمود. این اقدام ضرور در راه پاکسازی ارتش و تبدیل آن به ارتشی ملی و مردمی است.

خلاصه ما خود را موظف میدانیم که هشدار دهیم. ابزار کار را باید از چنگک ضد انقلاب گرفت. ایجاد مصونیت برای عوامل ساواک، مأموران «ضد اطلاعات» ارتش، گردانندگان عمده دستگاه اعمال قهر و اعمال خیانت رژیم سابق، خطر جدی برای انقلاب است.

عقب ماندگی به تمام معنی کلمه در این مناطق دیده میشود. عدم بهداشت، درمان، لوازم اولیه زندگی و حتی نبودن توالت، بطوریکه در ۲۰۰ تا ۳۰۰ دهاتی که در این مناطق قرار دارد، به غیر از توالت‌های مدارس، که آنها اغلب غیر بهداشتی و کثیف هستند، توالت دیگری در سراسر این مناطق وجود ندارد. عدم برنامه صحیح بهداشتی علت اصلی این امر است. در سرتاسر این ۲۰۰ تا ۳۰۰ دهه، ۲ یا ۳ درمانگاه غیر مجهز وجود دارد، که توسط دکتران هندی اداره میشوند. یکی از این درمانگاه‌ها در گهواره قرار دارد. بارها میشود که نرسیدن به موقع مریض به درمانگاه و دکتر، باعث مرگ وی شود.

حالا که مسئله تأمین مواد کشاورزی و ازدیاد تولید

زراعتی و دامداری مسئله حیاتی روز است، توجه بوضع این روستائیان، واگذاری کلیه اراضی بخود دهقانان و ایجاد وسایل رفاهی بویژه بهداشتی و آموزشی، کمال ضرورت را دارد.

## آیا راست است که دهقانان اطراف همدان را تبعید کرده‌اند؟

طبق خبر واصله از همدان، عمده‌ای از دهقانان اطراف شهر به استان‌های دور دست تبعید شده‌اند. اگر این خبر صحت داشته باشد، وظیفه دولت است که جداً و سریعاً در این باره تحقیق کند و از دهقانان رفع ظلم کند.

جریان از این قرار است که دهقانان با ادامه سلطه و مالکیت اربابان بر زمینهای موسوم به شکرکهای مکانیزه کشاورزی موافق نیستند. این زمین‌ها مال خود آنهاست و مالکان زمان این حرف‌ها نیست.

## دهقانان حسن لنگی آب می‌خواهند

حسن لنگی، یکی از روستاهای میناب است که بین بندرعباس و میناب قرار گرفته. مدت ۴ سال است که پیل رودخانه حسن لنگی شکسته و بلااستفاده مانده است. آب این رودخانه قابل استفاده برای کشاورزی است و در این منطقه بی‌آبی، نعمت بزرگی برای روستائیان است. رژیم گذشته، بنا به ماهیت ضد مردمی‌اش، هیچگونه اقدامی جهت ترعه‌کشی و آبیاری این منطقه بعمل نیاورد. این رودخانه بطرف دریا روان است، در حالیکه کشاورزان این منطقه باید همیشه چشم به آسمان داشته باشند و روستائیان این منطقه در این مسئله مصر بودند که اکنون دیگر پس از انقلاب، دولت باید امکاناتی را بوجود بیاورد تا آب بطرف این روستا و روستاهای دیگر روان گردد.

در ضمن مالکان این روستا با قدرت مالی خود توانسته‌اند پمپ‌هایی را در رودخانه کار بگذارند و آب را به محل زراعتشان برسانند و بقول معروف چون خرشان از پیل گذشته، دیگر هیچگونه همکاری و پشتیبانی از این روستائیان بعمل نمی‌آورند و عملیات را آنها

## سرکوب ضد انقلاب در نیکاراگوئه

حکومت موقت بازسازی ملی نیکاراگوئه، در پی تسلیم نظامیان هوادار سوموزا، دیکتاتور فراری کشور، در بنیایه ای اعلام کرد که آزادی، عدالت و دموکراسی را به نیکاراگوئه باز میگرداند. حکومت بازسازی ملی، ضمن اشاره به قیام شکوهمند خلق نیکاراگوئه علیه سوموزا و اربابان آمریکائی او، از مردم خواست در شرایط حساس کنونی، که امپریالیسم زخم خورده آمریکا دست اندر کار توطئه‌های رنک است، وحدت خود را حفظ کنند. حکومت موقت، که با حمایت و شرکت جبهه آزادیبخش ساندی نیست و دیگر نیروهای دموکراتیک تشکیل گردیده قول داده است که حاکمیت و استقلال کشور را در برابر توطئه‌های امپریالیسم حفظ کند و مشکلات و ویرانیهای ناشی از رژیم سرسپرده سوموزا را هر چه زودتر حل نماید و در این راه از همه نیروهای دموکراتیک یاری جوید. در این میان یک مقام حکومت اعلام کرد که بیش از چهل نفر ارتشی در جریان قیام خونین خلق کشته شده‌اند. اما ضد انقلاب در نیکاراگوئه بیکار ننشسته است. یریشب سرسپردگان رژیم سرنگون شده سوموزا، هتل اقامت نمایندگان دولت موقت را مورد حمله قرار دادند. دولت اعلام کرد که شدیداً ضد انقلاب را سرکوب و هر توطئه‌ای را در نطفه خفه میکند و اجازه نمیدهد که ضد انقلاب دستاوردهای مردم را بباد دهد.

## اکاذیب ارتجاع در افغانستان

به گزارش تاس، نور محمد ترکی، رئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان، اعلام کرد که مردم افغانستان شر بهره‌کشان و مستبدان را از سر خود کم کرده‌اند و دیگر اجازه نخواهند داد اوضاع گذشته تکرار شود. تره‌کی ضمن تأکید بر یک پارچگی خلق های افغانستان، یادآور شد که هر چه کامیابی های زحمت کشان بیشتر میشود، مقاومت دشمنان انقلاب نیز سرسختانه‌تر میگردد و دشمنان مردم به پخش اکاذیب میپردازند و ادعا میکنند که گویا جمهوری دموکراتیک افغانستان مخالف اسلام است. تره‌کی تأکید کرد که مردم مصمم‌اند توطئه‌های ارتجاع را در هم شکنند و از دستاوردهای انقلاب دفاع کنند.

# سخنی درباره شناخت جامعه کشور ما

از: احسان طبری

ما میکوشیم طی چند گفتار، که هر يك بنوبه خود از جهت موضوع مستقل است، جامعه ایران را بشناسیم و نیز میکوشیم تا این گفتارها را در آنجایی تنظیم کنیم که دریافت و فراگیری آنها برای آموزندگان تئوری انقلابی، از میان زحمتکشان آگاه یدی و فکری چندان دشوار نباشد.

طبیعی است که برای دریافت و فراگیری این گفتارها زمینه ابتدائی، شوق و تلاش آموختن لازم است. و نیز ممکن است که در اینجا و آنجا، برای آموزنده سئوالی یا اشکالی پیش آید، که ناچار باید آنرا در نزد آموزگاری هم‌رزم آگاهتری روشن سازد.

امید است که طی آشناسدن با جامعه ایران، مادر عین حال یاد بگیریم که چگونه باین مسائل اجتماعی را تحلیل کرد، گره‌ها را در این کلاف سردرگم گشود، بنحی‌ها را بر طرف ساخت و کلیدهای حل مسائل اجتماعی را بکف آورد.

اینکار البته ضرورتاً تازمنده، آگاه باشد. رزمنده آگاه، راه دشوارتر را بهتر می‌پیماید. حافظ شیرین سخن ما میگوید: «هر که دانسته رود، صرفه زاهد ایدرود».

آگاهی مایه خرد و تدبیر است، و خرد و تدبیر شرط پیروزی. رزمنده که آگاه شد، از یک کاه مایه، مست و از یک ناکامی، ملول و مأیوس نمیشود، بهای خود و دشمن را خوب می‌شناسد، بین خود و مخالفان خود مرز درست میکشد، میداند کجا باید عقب نشست و چرا، میداند کجا باید دست به تعرض زد و چرا و غیره و غیره. برای شناخت جامعه دو نوع قوانین وجود دارد: قوانین عام و قوانین خاص.

۱) قوانین عام شناخت اجتماع، آن قوانینی است که برای همه جوامع بشری بنحویکسان صادق است، خواه آن جامعه ایرانی باشد، خواه هندی، خواه فرانسوی، خواه کانادائی و غیره.

مثلاً قانون تناسب و هماهنگی بین نیروهای مولده و مناسبات تولید، بعنوان شرط رشد سالم و بهنجار (طبیعی و نرمال) جامعه ما، یک قانون عام است. یعنی وقتی مناسبات تولید (یا به بیان دیگر مناسبات مالکیت) طوری نبود که مانع رشد سالم و طبیعی نیروهای مولده (یعنی ابزارها و وسایل تولید همراه با انسانهای مولده که آنها را بنا کرده‌اند) بشود در این نیروها در چارچوب آن مناسبات (یا آن مالکیت) بدون بحران و جنگ و تصادم و کژروی رشد یابند، آنگاه می‌گوئیم که مسا بین نیروهای مولده و مناسبات تولید هماهنگی و تناسب حکمرواست. اما پس از چندی، سرانجام زمانی میرسد که این مناسبات مالکیت برای رشد نیروهای مولده نامناسب میشوند (مانند کشتی که برای پای رشد یابنده کودک تنگ میشود). آنوقت است که دوران بحران‌ها، جنگها، انقلابها میرسد، زیرا لازمه رشد آتی نیروهای مولده، پیدایش مناسبات نوین تولید، یعنی مناسبات نوین مالکیت است و جامعه در تبوتاب حل این معما می‌افتد.

فی‌المثل زمانی بود که مالکیت سرمایه‌داران بر ماشین و زمین مانعی برای رشد سریع و وسایل تولید نبود. برعکس، وسایل تولید، که تازه از جنگ مالکیت اشراف فئودال خلاصی یافته بود، در کشورهای سرمایه‌داری غرب، سرعت روبه‌رشد نهادند. ولی با پیدایش اولین بحرانها، انقلابها، جنگها معلوم شد که تولید ماشین، که یک تولید اجتماعی شده است، نمیتواند دیگر در قالب تصرف و مالکیت خصوصی سرمایه‌دار، بکنجد و نظام مالکیت دیگری می‌طلبد و جامعه به تکاپوی آن افتاده است که برای پای رشد یافته، کفشی مناسبی تدارک بینند.

این قانون تناسب یا هماهنگی نیروهای مولده با مناسبات تولید (مالکیت) یک قانون عام برای همه جوامع بشری است. این قانونی است که مارکس کشف آنست و از مهمترین قوانین عام و همگانی تکامل اجتماعی است. حال نمونه‌ای از قوانین خاص ذکر کنیم:

۲) اما اینکه سرمایه‌داری ایران در اثر اقتصاد تک‌محصولی (نفت) و طفیلی‌وار (از طریق سفته‌بازی زمین و مسکن و واسطه‌بازی در معاملات و سرقتی‌ها و وامگیری از بانکها) و در زیر فشار خورد کننده امپریالیسم، بویژه امپریالیسم امریکائیکس، از همان اوان زایش، شکلی ناهنجار داشته و بجای آنکه سرمایه بر پایه تولیدی (در صنعت) گسترش یابد، گسترش نامعقول در زمینه مصرف شخصی و مصرف تولیدی پیدا کرده، این دیگر قانون عام سرمایه‌داری نیست، بلکه یک سلسله قوانین خاص سرمایه‌داری ایران است که در شرایط ویژه تکامل جامعه پدید شده است. به دیگر سخن، ما باید قوانین عام تکامل اجتماعات بشری را، که فلسفه، تاریخ و اقتصاد و دیگر علوم اجتماعی آنها را بیان میدارند، بر شرایط ویژه جامعه کشور خودمان به اصطلاح پیاده کنیم، تا قوانین خاص تکامل جامعه ایرانی را کشف نمائیم. یعنی بینیم آن قوانین عام (که یک نمونه‌اش را ذکر کردیم و تعدادش زیاد است) در این شرایط خاص بجهت شکل درآمده، یا اصلاً در این جامعه معین، چه قوانین خاصی بروز کرده است.

هم یادگیری قوانین عام و هم انطباق و پیاده سازی و هم کشف قوانین خاص، همه و همه کاری است که به دقت و تفکر علمی و تئوریک، همراه تجربه و پراکتیک (یعنی عمل و مبارزه انقلابی) نیازمند است تا تئوری کاربردی یا انطباقی شکل گیرد و پدید شود.

اینکه که تصوری از قوانین عام و خاص بسدست آوردیم، به برخی مختصات جوامع انسانی توجه کنیم.

باید توجه داشت که جامعه بشری در یک جا و یک حال درجا نمیزند و با اصطلاح وضع‌ایستائی (ستاتیک) ندارد، بلکه دارای حالت تحرک و پویائی (دینامیک) است. یعنی جامعه بشری از گذشته به زمان حال میرسد و سپس بسوی آینده میرود و در این مسیر، یک روند تکاملی را طی میکند. یعنی بافت جامعه بنحی‌ها تغییر و پیچیده‌تر میشود و در آن ساختها و روابط نو پدید میشود.

این تکامل، هم در نیروهای مولده جامعه رخ میدهد و هم در مناسبات تولید، هم در زیربنا و هم در روبنا، هم در فرهنگ مادی و هم معنوی.

در اثر این تکامل، جامعه از مراحل و نظامات یا صورت-بندیهای میگذرد، مانند گله‌های انسانی، نظام ابتدائی (همبود نخستین)، نظام دودمانی (مادرسالاری و پیدرسالاری)، نظام بردگی، نظام زمین‌سالاری (فئودالیسم)، نظام سرمایه‌سالاری (کاپیتالیسم)، و سرانجام آخرین شکلی که تا امروز وجود آمده، نظام جامعه‌سالاری (سوسیالیسم).

تبدیل و تحول جامعه در درون این نظامات، خود یکی از قوانین عام است، ولی جوامعی ممکن است گاه از یک نظام طفره بزنند، یعنی آنرا نگذرانند و یا نظامی را با مشخصات ویژه‌گیهای بگذرانند، مثلاً در کشور ما نظام دودمانی (بصورت بقاء طوایف و قبایل یا ایلات و عشایر) از خود بسیار جان سختی نشان داده، یا نظام بردگی بشکل رم‌ویوتان در ایران نبوده و بردگی بطور عمده بردگی خانگی بوده و آنها تا قرنهای دراز در دام آوردن و یا نظام زمین‌سالاری در کنار مالکیت خورده دهقانی، بیش از دو هزار سال از تاریخ را اشغال کرده و یا نظام سرمایه‌سالاری، مدتها پیش، در بطن فئودالیسم ایران جوانه زده، ولی بلبل تاریخی و جنرالیائی که از آن یاد خواهیم کرد، رشد نکرده و وقتی رشد کرده (در اثر استعمار) راه تکامل فوق‌العاده ناسالم و ناهنجاری را پیموده است. این ویژگیهای جامعه ماست و مثلاً در جامعه فرانسه یا انگلیس، ما این ویژگیها را نمیبینیم یا بدین شکل نمی‌بینیم.

پس جامعه طبق قوانین عام و خاص تکامل مییابد و ساخت (استرکتور) و روابط درونی خود را عوض میکند و بافت آن بتدریج و سطح شعور اجتماعی آن بالاتر میرود و در فعالیت اعضا متشکله آن و شرکت آنها در عمل اجتماعی دمدم بیشتر و بیشتر افزوده میشود، یعنی یک حرکت اعتلایی و پیشرونده را طی میکند.

برای اینکه بررسی جامعه، جامع باشد، باید آنرا در سه بعد گذشته، حال و آینده دید. در سابق از بررسی دو بعدی (دیباکرونیک) در گذشته و حال صحبت میشد، ولی حال، به‌سبب گشت دانش پیش‌بینی علمی (پروگنوستیک) میتوان از بررسی سه بعدی (تری کرونیك) صحبت کرد. لنین میگوید: از سکوی آینده، حال را بهتر میتوان شناخت. شناخت آینده، با کمک قوانینی که در گذشته و حال موثر اند، میسر است. زیرا اگر ما قوانین تحول پدیدهای را بشناسیم، قادریم آینده آن پدیده را در کلیاتش پیشگویی کنیم (البته پیشگویی در جزئیات، یعنی اینکه چه حادثه‌ای کی و بدست چه شخصی روی میدهد، محال است. چنین پیشگوییها، غیب‌گویی است و غیب‌گویی کار علم نیست).

همه این قوانین که گفتیم بیا کمک میکنند جامعه را از جهت کیفی بررسی کنیم، یعنی چگونگی روندهای اجتماعی را بیان داریم. اما جامعه را از جهت کمی هم میتوان بررسی کرد. مثلاً وقتی میگوئیم کشور ما دارای قریب ۳۵ میلیون جمعیت است، یک چهارم آن کویر است، قریب یک میلیون کارگر صنعتی دارد، قریب بیست میلیارد تن ذخیره نفتی آنست و غیره، برخی مشخصات کمی جامعه خود را بیان داشته‌ایم.

مشخصات کمی بخودی‌خود کلید عمده شناخت جامعه نیست و فقط هنگامیکه ابزار کار تحلیلی برای مشخصات کیفی قرار گیرد، چیزی است بسیار سودمند و لازم.

مثلاً ابتدا باید دانست که جامعه ایران سرمایه‌داری است.

سپس باید دانست که دو طبقه اصلی جامعه سرمایه‌داری، سرمایه‌داران و کارگرانند و آنگاه باید دانست که کارگران صنعتی هسته مرکزی طبقه کارگر است و در اینجا است که مفید است بدانیم که، تعداد کارگران صنعتی ایران (در صورت فعالیت همه موسسات صنعتی) به قریب یک میلیون بالغ میشود. اگر آن مشخصات کیفی را ندانیم، آمارها، جدا از قوانینی که چگونگی جامعه را توضیح میدهند، چیز زیادی را افشا نمیکند. مهره‌بازی با آمار، در آن حال، فقط میتواند ابزار سفسطه و اثبات احکام غلط باشد، نه پیش.

(گفتار بعدی، نقش عوامل جنرالیائی در تکامل جامعه ایران)

## از کمکهای رفقا و دوستان سپاسگزاریم

رضا یک دستگاه ماشین تحریر	دانش آموز ۱۶ ساله از زنجان
۳۰۰ ریال	۵۰۰۰ ریال
گروهی از هواداران حزب دراوز (فارسی)	(این حاصل اولین روزگار ورنج من است)
۶۰۰۰ ریال	۵۰۰۰ ریال
اسماعیل هدیه عروسی سیمین و مهدی دوسکه نیم‌پهلوی و دوسکه ربی	آیدا (در انجام رسالت بزرگی که بر عهده گرفته‌اید، موفق باشید.)
۱۵۰۰ ریال	۵۰۰۰ ریال
۱۹۱۷	۱۰۰۰ ریال
	۱۴ از شیراز
	۵۰۰۰ ریال

## گفتگوی توده‌ای بابرادران و خواهران مبارز مسلمان

من توده‌ایم، افتخاریست جاودانه، در سراسر زندگی پررنج، و پس از مرگم که هرگز وجود ندارد. آئینه... (چه نعمت بزرگی است) در آن مینگریم، خود را می‌آریم، به پیشوازت می‌آیم، و ترا، برادر درخون آغشته‌ام را خواهر بن‌نچیر کشیده‌ام را دوست در سنگر رزمنده‌ام را، در آغوش میکشم و می‌گویم، از فرزندان ایرانی، ازرقای روزبه، از دوستان حکمت‌جو.

من می‌گویم، زمین مال روستا، و تومیکوئی، از زرع‌الزارع و لوکان غاصبا من می‌گویم، عفت و آزادی برای زنان و مردان. تومی‌گوئی، الجنت تحت‌الاقدام الامهات. من می‌گویم، دانش برای مردان و زنان. تومی‌گوئی، طلب‌العلم فریضه‌علی‌کل‌مسلم و مسلمة. حرف ما یکبست، حق، مساوات، آزادی. پس دعوا بر سر چیست؟ من رنجبرم، تومی‌ستم کس من بندگس، تو عاشق حق. بیدار و بیدار دل باشیم. «اوزوم»، «عنب»، «انگور». این هر سه گفتار یکبست، و ما هر دو میخواهیم، محو ظلم و استثمار، آزادی اندیشه و کار.

شاه میهن فروش، مرا «میهن‌فروش» میخواند. من، جان‌بر سر میهن داده‌ام، چه کسی میتواند میهنم را، مادر پدر، برادران و خواهرانم را، که با هم یک جا نفس کشیده‌ایم، در یک زندان خفته، در میدان شهدا، بخون هم آغشته شده، در بهشت زهرا، به یک گور سپرده شده‌ایم، چه کسی میتواند، تمام عشق و علاقه فاکلم را، از من باز ستاند؟ چه کسی حق دارد، حق گفت و شنود، حق دفاع را، از من باز ستاند؟ و آنچه که خود میخواهد، بنام من جعل کند، و مرا بهر آنچه یابود است، متهم سازد.... آن مردک آدمخوار، با دستگاه جهنمی ساواکش، مرا «نوکر اجنبی» میخواند. مانند دزدی که فریاد مه‌زند، دزد را بگیر! و زمان بر ملا کرد که، خائن کیست، خادم کیست؟

در دنیا دو چیز بیشتر نیست، حق و ناحق، ظالم و مظلوم، آزادی و اسارت، نابرابری و مساوات، آری، ما با هم برادریم، آری، ما هر دو یک چیز می‌خواهیم، آزادی و مساوات، عدل و حق.

ز. ن. شمسی = ۱۳۵۷